



فارسی ۱ و ۳

۹- (مسن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط با «تزویر و دورویی زاهدان و واعظان» است.
مفهوم بیت گزینه «۲»: توصیف زیبایی چشم معشوق

(فارسی ۳، مفهوم، مشابه صفحه ۱۹)

۱۰- (سیدیمال طباطبائی نژاد)

مفهوم بیت پرسش و سه بیت «الف، هـ، و»: عشق، کمال بخش وجود است.
بیت «ب»: تحمل سختی‌های عشق / بیت «ج»: عظمت عشق / بیت «د»: تسلیم در برابر معشوق

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۲۲)

۱۱- (ظنین زاهدی کیا)

غارب: میان دو کتف / آخره: چنبره گردن، قوس زیر گردن / تسلاً: آرامش یافتن /
مرقه: راحت و آسوده

(فارسی ۱، لغت، واژه نامه)

۱۲- (ظنین زاهدی کیا)

املای درست کلمه:

عظم ← عزم

(فارسی ۱، املا، ترکیبی)

۱۳- (مریم شمیرانی)

املای درست واژه نادرست:

خوار ← خار

(فارسی ۱، املا، ترکیبی)

۱۴- (اسماعیل تشییعی)

اگر با تلمیح شروع کنید گزینه‌های «۱»، «۳» حذف می‌شوند. با پارادوکس هم
گزینه «۴» حذف می‌شود.

برای آرایه‌های ابیات الف: حسن تعلیل ← علت این که کین کسی در دلم نمی‌گنجد
این است که دلم خانه مهر یار است.

ب: تلمیح ← اشاره به صدای خوب داود (ع) پیامبر بنی اسرائیل

ج: [مرغی] که هم اهریمنی باشد و هم ایزدی ← پارادوکس دارد.

د: تو همچون بچه آهوان ... ← تشبیه دارد.

هـ: «روی» و «موی» جناس ناقص اختلافی دارند.

(فارسی ۱، املا، ترکیبی)

۱۵- (کلاظم کاظمی)

تشریح آرایه‌های ابیات

گزینه «۱»: حسن تعلیل: اجل به این دلیل چشم همه مردم جهان را می‌بندد که
پدیده‌های جهان برای آن‌ها جاذبه‌ای ندارند یا ارزش دیدن ندارند. مجاز: جهان ←
مردم جهان

گزینه «۲»: استعاره: جام لاجورد ← آسمان و روزگار / خون دل برای «شفق» ← استعاره /
ایهام تناسب: مدام: ۱- همواره (معنای موردنظر) ۲- شراب (با جام تناسب دارد)

گزینه «۳»: حس آمیزی: افغان رنگین (در آمیختن دو حس شنوایی و بینایی) /
جناس: ندارد

گزینه «۴»: تلمیح: «آب حیوان» اشاره‌ای است به داستان حضرت خضر و
برخورداری او از چشمه آب حیات / تشبیه: عقیق صبر (اضافه تشبیهی)

(فارسی ۱، آرایه، ترکیبی)

۱۶- (مریم شمیرانی)

نقش واژه «مطرب»، «منادا» است.

(فارسی ۱، زبان فارسی، صفحه ۴۱)

۱- (مسن و سگری - ساری)

انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی

(فارسی ۳، لغت، واژه نامه)

۲- (سیدیمال طباطبائی نژاد)

معنی واژگان «ب» و «د» کاملاً درست است.

الف) درهم: مسکوک نقره که ارزش آن کسری از دینار بوده است.

ج) وجه: ذات، وجود

(فارسی ۳، لغت، واژه نامه)

۳- (مسن اصغری)

غلط‌های املایی و شکل درست آن‌ها:

الف) زَل ← ذَل (واژه نامه ستایش، معنای مقابل عز)

ج) متاع ← مطاع

(فارسی ۳، املا، ترکیبی)

۴- (مسن و سگری - ساری)

تشبیه: موی کمر / اغراق: با تشبیه کمر معشوق به مو، در باریک بودن کمر او اغراق
شده است. / کنایه: «سراپا چشم شدن»: کنایه از «به دقت بنگریستن و توجه کردن»
/ حسن تعلیل: دلیل سراپا چشم گردیدن زلف رسا تعلیم گرفتن پیچ و تاب از کمر
معشوق است.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۵- (مسن اصغری)

تشبیه‌های بیت: عشق، بحر موج است- صبر، کشتی نوح است (دو مورد)
در سایر ابیات سه تشبیه به کار رفته است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «تو مس قلب (تقلبی) هستی / تو زر شوی / اکسیر سعادت (۳ مورد)

گزینه «۲»: مهد زمین / خواب غفلت / گهواره زندان است (۳ مورد)

گزینه «۳»: مرا همچون شمع / مرغ جان / جان را چون پروانه (۳ مورد)

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۶- (سیدیمال طباطبائی نژاد)

در گزینه «۴»، هر دو ضمیر «م» نقش مفعول دارند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: پیش از آن که کارم به دیوانگی انجامد (م مضاف‌الیه برای کار)

گزینه «۲»: اگر سرم در سر کار تو شود = (م مضاف‌الیه برای سر)

گزینه «۳»: بخت بیدار من در خلوت بزد (م مضاف‌الیه برای بخت)

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه ۱۵)

۷- (ظنین زاهدی کیا)

«شدن» در گزینه «۴» به معنای «گشتن و گردیدن» است اما در سایر گزینه‌ها به
معنای «گذشتن و سپری شدن» است.

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه ۲۰)

۸- (مسن و سگری - ساری)

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۴» تأثیر گریه و زاری در پذیرش
توبه و راز و نیاز با خداوند است.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۳)



۲۵- (سیر ممبرعلی مرتضوی)
«من»: هر کس / «یقرأ»: بخواند / «هذه الكتب العلمیة»: این کتاب‌های علمی /
«بدقة»: با دقت / «ینفتح»: گشوده می‌شوند / «له»: برایش / «أبواب العلم»:
درهای علم / «یتخلّص»: رهایی می‌یابد (ترجمه)

۲۶- (مرتضی کاظم شیروردی)
«عندما»: وقتی / «یفقد»: از دست می‌دهد / «الإعصار»: گردباد / «سرعته»: سرعش
را / «فتتساقط»: می‌افتند / «الأسماك»: ماهیان / «على الأرض»: بر زمین.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «ما را» نادرست است.
گزینه «۲»: «کسی نباید ما را» نادرست است.
گزینه «۴»: «مردم را از آن متحیر می‌کند» نادرست است.

(ترجمه)

۲۷- (ابراهیم غلامی نژاد)
«یوكد»: فعل مضارع معلوم از باب تفعیل می‌باشد.
ترجمه صحیح عبارت: قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند.

(ترجمه)

۲۸- (سیر ممبرعلی مرتضوی)
«گاه کن»: أنظر، أنظری / «درخت بزرگ»: الشجرة الكبيرة / «دانهای
کوچک»: حبة صغيرة / «در زیر خاک»: تحت التراب / «رشد می‌یابد»: تنمو

(ترجمه)

۲۹- (ابراهیم غلامی نژاد)
در سؤال: ضمیر «أنتم» آورده شده و باید در جواب، «نحن» بیاید.

(مفهوم)

۳۰- (ابراهیم غلامی نژاد)
ترجمه عبارت سؤال: و همگی به ریسمان الهی چنگ بزیند و پراکنده نشوید.
ترجمه گزینه‌ها:
گزینه «۱»: از رحمت خداوند ناامید نشوید.
گزینه «۲»: هر کس زیاد تلاش کند به همه اهدافش می‌رسد.
گزینه «۳»: وحدت (میان گروه) مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.
گزینه «۴»: مؤمنان همگی از حق دفاع می‌کنند. (مفهوم)

ترجمه متن:

پدر و مادر حق بزرگی بر فرزندان‌شان دارند، زیرا خداوند آنان را سببی برای
وجود ایشان در این زندگی قرار داده است، و چون آنان در راه تربیت،
نگهداری و مراقبت از فرزندان از زمانی که به دنیا می‌آیند تا وقتی که بزرگ
شوند، سختی کشیده‌اند. خداوند در ذکر حکیم (قرآن) حق ایشان را با حق
خود قرین ساخته است، پس خدای بلندمرتبه فرموده است: و پروردگارت
حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. و به همین
خاطر، وقتی که مردی نزد پیامبر (ص) آمد و از ایشان پرسید: سزاوارترین
مردم به رفتار نیک چه کسی است؟ پیامبر به او جواب داد: مادرت! و آن را
سه مرتبه تکرار کرد و در مرتبه چهارم گفت: سپس پدرت! ما باید از میان
کارها، چیزی را برای پدر و مادر ارائه کنیم که ایشان را خوشند کند و آنان
را خوشبخت گرداند، پدر و مادر بر ما حق نگهداری سلامتی و تأمین نیازهای
زندگی روزانه را دارند، و بر ما (این حق را) دارند که به خوبی با آنان صحبت
کنیم، پس صدایمان را در هنگام صحبت با آنان بالا نمی‌بریم و به آن‌ها
حرفی نمی‌زنیم که آزرده‌شان کند!

۱۷- (اسماعیل تشییعی)
هزار دشمنیج ار می‌کنند قصد هلاک: قصد هلاک من
مضاف الیه
گرم تو دوستی: گر تو دوست من هستی
مضاف الیه

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: بکاری ام: من را بکاری
مفعول
گزینه «۲»: بردت: تو را برد
مفعول
گزینه «۴»: کشدم: من را بکشد
مفعول
(فارسی ا، زبان فارسی، صفحه ۵)

۱۸- (مریم شمیرانی)
گزینه «۲» شاعر از ستم زبهارویان لذت می‌برد و جفا را وفا می‌انگارد اما پیام
مشترک گزینه‌های دیگر گله از بی‌وفایی محبوب است.

(فارسی ا، مفهوم، مشابه صفحه ۵۰)

۱۹- (اسماعیل تشییعی)
ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» بر مفهوم «تأییداری دنیا» و «تخییریذیری و بی‌ثباتی
جهان» تأکید دارند. بیت گزینه «۳»، مفهوم «غنیمت دانستن جوانی» را می‌رساند.
(فارسی ا، مفهوم، صفحه ۵۲)

۲۰- (کاظم کاظمی)
مفهوم بیت گزینه «۳»: یکسان بودن ظاهر و باطن مردان خدا و انسان‌های بی‌ریا
مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ترجیح باطن و سیرت نیکو بر صورت و ظاهر آراسته
(فارسی ا، مفهوم، مشابه صفحه ۵۸)

عربی، زبان قرآن ۱

۲۱- (ابراهیم غلامی نژاد)
«أنزل»: فرو فرستاد / «من السماء»: از آسمان / «ماء»: آبی / «فأخرج»: پس
خارج کرد / «به»: با آن / «من الثمرات»: از میوه‌ها / «رزقا»: رزقی، روزی‌ای
/ «لكم»: برای شما (ترجمه)

۲۲- (ابراهیم غلامی نژاد)
«کل واحد»: هر یک، هر کدام / «من العلماء»: از دانشمندان / «فی هناک»:
در آنجا / «حاول»: تلاش کردند / «أن يفهم»: که بفهمانند / «الأخرین»: به
دیگران / «سر»: راز / «تساقط»: افتادن / «هذه الأسماك»: این ماهی‌ها را
(ترجمه)

۲۳- (مرتضی کاظم شیروردی)
«تتراکم»: انباشته می‌شود / «غیمة سوداء عظيمة»: ابر سیاه بزرگی /
«تحدثت»: ایجاد می‌شود / «ظاهرة»: پدیده / «مطر السمک»: باران ماهی.
(ترجمه)

۲۴- (سیر ممبرعلی مرتضوی)
«هذا الطفل الصغیر»: این کودک کم‌سن و سال / «بانیتظار والده»: منتظر
پدرش است / «أمام باب المدرسة»: مقابل در مدرسه / «لأن»: زیرا / «قد
فرغت»: خالی شده است / «من التلاميذ»: از دانش‌آموزان
(ترجمه)



۳۷- (هاری پولاری)

فعل متعدی فعلی است که مفعول داشته باشد، در گزینه ۲، فعل «ترجمها» (آن را ترجمه کن)، متعدی می‌باشد.

نکات مهم درسی: وقتی ضمائر متصل منصوبی (ه، هما، هم و ...) به فعل می‌چسبند، مفعول می‌شوند و این بیانگر متعدی بودن فعل می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «تصبح» نه لازم و نه متعدی می‌باشد.

گزینه ۳: «تَحَقَّقُوا» فعل لازم است که با حرف جر (مِنْ) همراه شده است.

گزینه ۴: «ماتوا و انتهبوا» هردو از افعال لازم می‌باشند.

(قواعد فعل)

۳۸- (مرتضی کاظم شیروری)

فعل‌های متعدی به ترتیب: قال، عَلِمَ، لَتَعْلَمُونَ

گزینه ۱: «آمنا: لازم / يُخْرِجُ: متعدی

گزینه ۳: «ندعو: متعدی / يتجلى: لازم

گزینه ۴: «تَلَاخَطَ: فعل مجهول و متعدی / تَحَدَّثَ: لازم

(قواعد فعل)

۳۹- (هاری پولاری)

صورت سؤال از ما فعلی را خواسته که تعداد حروف زائدش با بقیه متفاوت است. در گزینه ۴، «تبادل» مصدر باب تفاعل بوده و اسم می‌باشد در صورتی که سؤال از ما خواسته (فعل) را بیابیم. از طرفی «يساعدنا» از باب مفاهله بوده و حروف زائدش یک حرف می‌باشد. در بقیه گزینه‌ها تعداد حروف زائد فعل‌ها، دو حرف می‌باشد.

نکات مهم درسی: باب‌های تفعیل، مفاعله و افعال دارای یک حرف زائد، باب‌های افعال، انفعال، تفاعل و تفاعل دارای دو حرف زائد و باب استفعال دارای سه حرف زائد است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «تَعَلَّمَ» فعل امر از باب تفاعل می‌باشد که دارای دو حرف زائد است.

گزینه ۲: «استند» فعل ماضی از باب افتعال می‌باشد که دارای دو حرف زائد می‌باشد. دقت کنید که این فعل را از باب استفعال نگیرید چرا که حرف سین جزو ریشه این فعل می‌باشد. (سند)

گزینه ۳: «یتعایشوا» از باب تفاعل می‌باشد که دو حرف زائد دارد.

(قواعد فعل)

۴۰- (مرتضی کاظم شیروری)

أَحِبَّ: فعل ثلاثی مزید باب افعال و حرف زائد «أ» / أَتَخَلَّكَتُ: فعل مضارع ثلاثی مزید باب تفاعل و حروف زائد «ت، ت» تکرار دال

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه ۱: «إِدْفَعُ: فعل امر از ثلاثی مجرد «دفع» / أَحْسَنَ: اسم تفضیل است نه فعل مزید

گزینه ۲: «أَعْلَمُ: فعل مضارع از ثلاثی مجرد «علم» / التَّعَرَّفَ: مصدر باب تفاعل است نه فعل مزید

گزینه ۳: «أَنْظَرُوا: فعل امر از ثلاثی مجرد «نظر» / تَطَّوَّنَ: فعل مضارع از ثلاثی مجرد ظَنَّ / تَكُونُ: فعل مضارع از ثلاثی مجرد «کان».

(قواعد فعل)

۳۱- (سید ممدعلی مرتضوی)

فرزندان باید پدر و مادر خویش را گرامی بدارند... در گزینه ۲: «زیرا آنان فرزندان را خوشبخت گردانند!» نادرست است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «به دلیل رنج‌هایشان در زندگی!»

گزینه ۳: «به دلیل به دنیا آوردن فرزندان!»

گزینه ۴: «زیرا پدر و مادر به تربیت ایشان اقدام نمودند!»

(درک مطلب)

۳۲- (سید ممدعلی مرتضوی)

مقصود از عبارت «به او جواب داد: مادرت! و آن را سه مرتبه تکرار کرد» چیست؟ عبارت «کم کردن از ارزش پدر» صحیح نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «نگهداری از مادر و رفتار با او به مهربانی!»

گزینه ۲: «جایگاه مادر و منزلت بالای وی!»

گزینه ۴: «تأکید پیامبر بر موضوع!»

(درک مطلب)

۳۳- (سید ممدعلی مرتضوی)

«نیکی به پدر و مادر در همه حالت‌ها و تأمین نیازهایشان بر ما واجب است!» صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «هرگاه فرزندان بزرگ شوند، پدر و مادر کاری برایشان انجام نمی‌دهند!» نادرست است.

گزینه ۲: «وظیفه ماست که از کارها چیزی را انجام ندهیم مگر آنچه که پدر و مادر را آزرده می‌کند!» نادرست است.

گزینه ۳: «فرزندان باید پدر و مادر خویش را حتی در معصیت آفریننده و پیامبرش، اطاعت نمایند!» نادرست است.

(درک مطلب)

۳۴- (سید ممدعلی مرتضوی)

تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه ۱: «مصدره...» نادرست است.

گزینه ۳: «للمتکلم وحده - ماضیه...» نادرست است.

گزینه ۴: «حروفه الأصلیة... مصدره...» نادرست است.

(تفلیل صرفی و معل اعرابی)

۳۵- (سید ممدعلی مرتضوی)

تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه ۲: «للعائین» نادرست است.

گزینه ۳: «علی وزن یَفْعَل» نادرست است.

گزینه ۴: «للعائین - مجرد ثلاثی...» نادرست است.

(تفلیل صرفی و معل اعرابی)

۳۶- (هاری پولاری)

دقت کنید که مساحت در عربی به صورت «مِسَاحَة» می‌باشد. نکات مهم درسی: مصدر باب مفاعله معمولاً مورد نظر طراحان قرار می‌گیرد و باید دقت کنیم که وزنش به صورت «مُفَاعَلَة» صحیح می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «خیالی در عربی به صورت «خَيَالِيًا» درست است.

گزینه ۲: «نشانه مثنی در عربی همیشه (ان) با حرکت کسره می‌باشد و باید «خَصَلْتَان» می‌شد.

گزینه ۴: «مُنَاسِبَة» باید به صورت «مُنَاسِبَة» باشد.

(ضبط مرکبات)

دین و زندگی ۱ و ۳

۴۸-

(مرتضی مفسنی کبیر)

باید دقت کنیم عبارت قرآنی «و لله ما فی السموات و ما فی الأرض» درباره توحید در مالکیت است و عبارت قرآنی «لا یشرک فی حکمه احداً» درباره توحید در ولایت است و از آن جایی که هر کس مالک چیزی باشد (علت) حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد (معلول)، لذا رابطه علیت مالکیت خداوند و معلولیت ولایت خداوند را نتیجه می گیریم.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه ۱۹)

۴۹-

(ابوالفضل امرزهره)

عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (صلوات الله علیهم) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آنها و مستقل از خدا بدانیم. اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفا بخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است. شرک در ولایت عبارت است از اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند. آیه «قل أفتأخذتم من دونه اولیاء» بیانگر شرک در ولایت است.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه های ۲۲ و ۲۳)

۵۰-

(مرتضی مفسنی کبیر)

عبارت قرآنی «کلّ یوم هو فی شأن» او همواره (دائمی و پیوسته) دست اندر کار امری است» نشانگر تدبیرگری دائمی خداوند است و این خود مؤید «ربوبیت» خداوند است که از خالقیت خدا سرچشمه گرفته است. دقت شود که دائمی و پیوسته بودن تدبیر جهان، در عبارت «وَهُوَ رَبُّ کُلِّ شَیْءٍ» تأکید نشده است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱ و ۲، صفحه های ۱۰ و ۲۰)

۵۱-

(فرزین سماقی - لرستان)

یکی از پیامدهای دیدگاه اعتقاد به معاد، باز شدن پنجره امید و روشنایی به روی انسان و فراگیر شدن شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار در زندگی است. این شور و نشاط: «و لا هم یحزنون»، به این دلیل است که انسان می داند هیچ کار نیکی از کارهای او بی پاداش نمی ماند و اگر در مسیر انجام وظایف، ظلمی به او صورت گیرد، قطعاً خداوند داد آن را از ظالمان می ستاند و در جهان دیگر خداوند آنان را به سزای اعمالشان می رساند. مفهوم آیه «من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون» اشاره به این امر دارد.

(دین و زندگی ۱، درس ۴، صفحه ۴۸)

۵۲-

(مرتضی مفسنی کبیر)

آثار و پیامدهای انکار معاد، گریبان کسائی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می گیرد؛ زیرا این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می دهند و از یاد آخرت غافل می شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارند.

(دین و زندگی ۱، درس ۴، صفحه ۵۱)

۵۳-

(مفسر بیاتن)

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن دل نمی سپرند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود. امام حسین (ع) خطاب به یاران خود فرمود: «مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پنهان و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟»

(دین و زندگی ۱، درس ۴، صفحه ۳۹)

۴۱-

(مفسر رضایی بقا)

نظام خلقت مبتنی بر حق است؛ هر انسانی که در مسیر بندگی پیش رود، در پیشگاه خداوند منزلتی می یابد و قدرتی پیدا می کند که برتر از قدرت های طبیعی است و این توانایی جزء قانونمندی الهی و زیبایی نظام هستی است. انسان با طی مراتب بندگی می تواند به اذن خداوند به چنین توانایی هایی در عالم هستی برسد.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه ۲۶)

۴۲-

(فرزین سماقی - لرستان)

چون خداوند غنی و ستوده است، موجودات منحصرأ برای رفع نیازهای خود به وی مراجعه می کنند: «و الله هو الغنی الحمید». نیازمندی تمام موجودات به خداوند امری ذاتی است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه های ۷ و ۱۰)

۴۳-

(مفسر رضا فرهنگیان)

هنگامی که از خود برسیم که: «ایا هرگز درباره آغاز و پایان این هستی پنهان و فکر کرده اید؟» به سؤال «موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟» خواهیم رسید.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه ۶)

۴۴-

(مفسر رضایی بقا)

در ابتدا اینکه خداوند «لطیف» است، یعنی با چشم مادی نمی توان او را دید: «لا تُدرِکُ الأبصارُ: چشم ها او را در نمی یابند» و در ادامه اینکه خداوند «خبیر» است، یعنی به همه امور بینا و آگاه است: «وَهُوَ یُدرِکُ الأبصارَ: و اوست که دیدگان را در می یابد.» دریافت می شود.

اینکه خداوند می بیند و دیده نمی شود، در بیت «به بینندگان آفریننده را / نبینی مرنجان دو بیننده را» مورد اشاره واقع شده است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه های ۱۳ و ۱۴)

۴۵-

(مفسر بقیاری)

خداوند، نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود. پس موجودات جهان، جلوه گاه وجود خداوند. در نتیجه استدلال نیازمندی جهان در پیدایش خود به خدا می خوانیم: ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن (پیدایش) و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه های ۷ و ۱۱)

۴۶-

(مرتضی مفسنی کبیر)

طبق آیه شریفه «ام جعلوا لله شرکاء خلقوا کلخلقه فتشابه الخلق علیهم»، در صورتی جا داشت که مردم در اعتقاد به توحید در شک بیفتند که غیر خدا، مثل خداوند آفرینشی داشت و از آن جا که خداوند، بی نیاز مطلق است، لذا به فرزند یا والدین نیاز ندارد و این موضوع در آیات شریفه «الله الصمد» لم یلد و لم یولد» در سوره توحید، مورد تأکید قرار گرفته است.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه ۲۲)

۴۷-

(مفسر رضایی بقا)

عبارت «وَهُوَ الواجِدُ الْقَهَّارُ»: «او او یکتای مقتدر است.» بدین معناست که خداوند از هیچ جهت محدود نیست و چنان بی کران است که جای خالی برای غیر باقی نگذاشته است تا آن غیر، خود را نشان دهد.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه های ۲۱ و ۲۲)

زبان انگلیسی ۱ و ۳

(علی عاشوری)

-۶۱

ترجمه جمله: «روز تولد مادرم فردا است. قصد دارم هدیه ارزشمندی برایش بخرم.»
نکته مهم درسی
 برای کارهای از قبل برنامه‌ریزی شده در زمان حال از "be going to" استفاده می‌شود.
 (گراهر)

(غریبیا توکل)

-۶۲

ترجمه جمله: «به این بچه‌های کوچک در این جا، در سمت چپ نگاه کنید. تماشای بازی آن‌ها مرا واقعاً خوشحال می‌کند!»

نکته مهم درسی

با توجه به "here" اشاره به "children" از نزدیک انجام شده است، پس گزینه‌های «۱» و «۳» حذف می‌شوند و پس از فعل "makes" به یک ضمیر مفعولی نیاز داریم، پس گزینه «۴» صحیح است.
 (گراهر)

(علی عاشوری)

-۶۳

ترجمه جمله: «کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟»
 «تو می‌دانی که موش‌ها حیوانات کثیفی هستند.»

نکته مهم درسی

جمع "mouse" می‌شود "mice"، زیرا این اسم جزو جمع‌های استثناست.
 (گراهر)

(آناهیتا اصغری)

-۶۴

ترجمه جمله: «اگر ما به کودکانمان این ارزش‌ها را یاد ندهیم، حقیقتاً چگونه می‌توانیم از آن‌ها انتظار داشته باشیم تا اعضای ارزشمند و قابل‌احترام در جامعه شوند؟»

- | | |
|------------------------|------------------|
| (۱) با دقت | (۲) مؤدب |
| (۳) قابل‌احترام، محترم | (۴) مراقب، دلسوز |
- (واژگان)

(آناهیتا اصغری)

-۶۵

ترجمه جمله: «دادن یک هدیه [مالی] سودمند به‌عنوان یک دوست، راه دیگری برای پرهیز از دادن کادوهای نامطلوب است.»

- | | |
|------------|-----------------|
| (۱) آزمایش | (۲) اهدا، هدیه |
| (۳) الهام | (۴) عبارت، بیان |
- (واژگان)

(علی عاشوری)

-۶۶

ترجمه جمله: «پدر دل‌شکسته از فهمیدن این که کیسه هوا نتوانسته بود از دخترش در هنگام تصادف اتومبیل محافظت کند، اندوهگین بود.»

- | | |
|----------------|-----------------|
| (۱) گزارش دادن | (۲) محافظت کردن |
| (۳) موجب شدن | (۴) گرفتن |
- (واژگان)

(میرفیسین زاهری)

-۶۷

ترجمه جمله: «آن‌ها طرح‌هایی دارند تا در این جا مرکز خریدی بسازند، اما بیشتر مردم محلی در این باره خوشحال نیستند. آن‌ها می‌گویند چنین مکانی ترافیک را در منطقه افزایش خواهد داد.»

- | | |
|---------------|-------------|
| (۱) گیاه | (۲) دشت |
| (۳) طرح، نقشه | (۴) هواپیما |
- (واژگان)

ترجمه متن کلواست:

اسم من لیشالی است و من یک دانش‌آموز دبیرستانی میهمان [در طرح] AFS از ژاپن هستم. امسال توسط خانواده رابرت میزبانی می‌شوم. وقتی که در مورد رفتن به خانه در ماه ژوئن فکر می‌کنم، می‌خواهم از همه اعضای خانواده میزبان مخصوصاً از مادر میزبانم، سارا، تشکر کنم. سال من بدون مادر میزبانم این قدر لذت‌بخش و پر از ماجرا نمی‌بود، چرا که او تجارب آمریکایی و دست اول خیلی زیادی را در اختیار من گذاشته است. در طول تعطیلات بهار، ما برای تعطیلات به فلوریدا رفتیم. فلوریدا جایی است که از قبل از این که به این جا بیایم، می‌خواستیم ببینیم. ما تقریباً ۲۱ ساعت تا ساحل مادیرا رانندگی کردیم و از پنج ایالت عبور کردیم. من نه تنها به فلوریدا رفتم و اقیانوس را دیدم، بلکه فرصت دیدن چیزهای گوناگون زیادی در شهرهای متفاوت را نیز داشتم. آن دقیقاً بهترین تعطیلی بهار تاکنون بود. من از مادر میزبانم به‌خاطر بردن من به آن سفر و این که رویاهایم را به حقیقت درآورد، بسیار سپاسگزارم. روز مادر مبارک، مامان!

(ممد رضا فرهنگیان)

-۵۴

خداوند در آیه ۵ سوره قیامت علت انکار معاد را این‌گونه بیان می‌فرماید: «انسان شک در وجود معاد ندارد» بلکه [علت انکارش این است که] او می‌خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند. با توجه به آیات شریفه ۴۵ تا ۴۸ سوره واقعه: «آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می‌کردند و می‌گفتند: هنگامی که ما مردیم و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه ۶۲)

(ممد بختیاری)

-۵۵

این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد؛ به‌عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه برابری نمی‌کند و عدل الهی ایجاب می‌کند جهان دیگری باشد تا ظالم به مجازات واقعی‌اش برسد (عدل الهی) و این موضوع با آیه «م نجعل الآدمین آمنوا...» هماهنگ است.

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه ۶۱)

(مسمن بیاتی)

-۵۶

پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. «الله لا اله الا هو»: خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست. «لیجمعنکم الی یوم القیامة»: او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند (حدوث قطعی معاد) «لا ریب فیه»: که شکی در وقوع آن نیست. «و من اصدق من الله حدیثاً»: چه کسی در سخن از خدا راست‌گوتر است؟ (علت نبودن شک در قیامت)

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه ۵۷)

(مسمن بیاتی)

-۵۷

قرآن کریم در آیه ۷۸ و ۷۹ سوره یس توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می‌کند و می‌فرماید: «و برای ما مثلی زده در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آن‌ها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی دانات است.»

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

(ممد رضایی‌نقا)

-۵۸

دلایلی که امکان معاد را ثابت می‌کنند، آن را از حالت امری بعید و غیر ممکن خارج می‌سازند. در بیت «به گفت طفل جستی راه پرهیز / به گفت انبیا از خواب برخیز»، طبق قانون عقلی «دفع خطر احتمالی، لازم است»، هوشیاری در مورد خیر انبیا همانند توجه به اعلام خطر احتمالی یک طفل بنا بر دستور عقل، تذکر داده شده است.

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

(سکینه کلشنی)

-۵۹

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره گروهی از ما می‌میریم و گروهی زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند (و ما یهلکنا الا الدهر)». طبق بیان قرآن، آنان این سخن را از روی علم نمی‌گویند (ما لهم بذلك من علم ان هم الا یظنون)»

(دین و زندگی، درس ۴، صفحه ۵۰)

(مرتضی مسنی‌کبیر)

-۶۰

دلایل اثبات امکان معاد، به دنبال اثبات «قدرت نامحدود الهی»، هستند که عبارت‌اند از:
 ۱- اشاره به پیدایش نخستین انسان ۲- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان ۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت
 موارد «عدم ظرفیت دنیا برای پاداش و جزای کامل» و «پاسخ‌گویی به تمایلات و نیازها» از دلایل ضرورت معاد است، نه امکان معاد.

(دین و زندگی، درس ۵، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰)



۷۴- (مهم ریمینی نهر آباری)
ترجمه جمله: «طبق متن، شما نباید در حین مسواک زدن شیر آب را باز بگذارید.
این راهی برای جلوگیری از به هدر رفتن آب است.»

(درک مطلب)

۷۵- (مهم ریمینی نهر آباری)
ترجمه جمله: «عبارت "cut down on" (کم کردن) در پاراگراف سوم از لحاظ
معنی به "decrease" (کاهش دادن) نزدیک ترین است.»

(درک مطلب)

۷۶- (مهم ریمینی نهر آباری)
ترجمه جمله: «طبق متن، کدام یک از موارد زیر درست نیست؟
«شما می‌توانید با ساخت جاده‌ها به نجات طبیعت کمک کنید.»

(درک مطلب)

ترجمه متن درک مطلب دوم:

خانواده‌ها تقریباً در هر کشوری در حال تغییر هستند. در آفریقای شمالی در گذشته بسیاری از مردم در خانواده‌های گسترده (بزرگ) زندگی می‌کردند. ۵۰ تا ۱۰۰ آدم در یک گروه از خانه‌ها با هم زندگی می‌کردند. این‌ها همه اعضای خانواده بودند - پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، عمه‌ها، عموها، پسر عموها، بچه‌ها و نوه‌ها. اما در حال حاضر، این خانواده سنتی دارد به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود. اکنون خانواده‌های تک‌والدی بیشتری وجود دارد.

خانواده ژاپنی سنتی، همچنین خانواده گسترده‌ای بود - یک پسر، والدینش، همسرش، بچه‌هایش، برادران و خواهران مجردش. آن‌ها با هم در خانه والدینش زندگی می‌کردند. اما این رسم در حال تغییر است. الان بیشتر خانواده‌ها، خانواده‌های هسته‌ای هستند. آن‌ها مشکلات جدیدی دارند. بیشتر مردان زمان زیادی را صرف شغل [خود] می‌کنند. آن‌ها خانواده‌هایشان را اغلب نمی‌بینند. این [کار] سختی است. بسیاری از زنان متأهل احساس تنهایی می‌کنند. شوهرانشان تقریباً هرگز خانه نیستند، بچه‌هایشان در مدرسه هستند. گاهی اوقات این زنان یا شغل پیدا می‌کنند، یا در گروه‌های فرهنگی عضو می‌شوند.

در اروپا، در خانواده‌های هسته‌ای سنتی، همسر به همراه بچه‌ها در خانه می‌ماند. شوهر شغلی داشت. اما بسیاری از اروپایی‌ها از این نوع خانواده راضی نیستند و سنت‌ها در حال تغییر هستند. تعداد طلاق‌ها در حال افزایش است. تعداد خانواده‌های تک‌والدی نیز در حال افزایش است. در سوئد بیشتر از ۴۵ درصد همه بچه‌ها، مادران مجرد دارند. در بیشتر اروپا بسیاری از مردم تنها زندگی می‌کنند. در فرانسه بیشتر از ۲۶ درصد زنان بین سن ۳۰ تا ۳۴ سال و بیشتر از ۲۷ درصد از مردان تنها زندگی می‌کنند.

بعضی از مردم درباره این تغییرات ناراحت هستند. اما آن‌ها باید یک چیز را بفهمند. ما نمی‌توانیم واقعاً بگوییم: «این خانواده‌های جدید بد هستند.» و یا «این خانواده‌های جدید خوب هستند.» آن‌ها فقط متفاوت هستند. جهان در حال تغییر است و خانواده‌ها هم در حال تغییرند.

۷۷- (ساسان عزیز نژاد)
ترجمه جمله: «موضوع اصلی متن چیست؟»
«خانواده‌ها در بسیاری از کشورها در حال تغییر هستند.»

(درک مطلب)

۷۸- (ساسان عزیز نژاد)
ترجمه جمله: «کلمه "extended" (گسترده) در پاراگراف یک از لحاظ معنی به "large" (بزرگ) نزدیک ترین است.»

(درک مطلب)

۷۹- (ساسان عزیز نژاد)
ترجمه جمله: «کلمه "Their" در پاراگراف دو به بسیاری از زنان متأهل اشاره می‌کند.»

(درک مطلب)

۸۰- (ساسان عزیز نژاد)
ترجمه جمله: «بر اساس متن، همه جملات زیر درست هستند، به جز این که نویسنده فکر می‌کند که این خانواده‌های جدید بد هستند، زیرا آن‌ها با هم زندگی نمی‌کنند.»

(درک مطلب)

۶۸- (میرمسین زاهدی)
نکته مهم درسی
با توجه به معنای جمله، فعل بیانگر عملی در آینده است که از قبل برنامه‌ریزی شده است. پس به ساختار «فعل + be going to» نیاز داریم.

(کلوز تست)

۶۹- (میرمسین زاهدی)
(۱) لذت بخش (۲) ترسناک
(۳) شوکه کننده (۴) گیج کننده

(کلوز تست)

۷۰- (میرمسین زاهدی)
(۱) آینده (۲) میزبان
(۳) شکار (۴) توجه

(کلوز تست)

۷۱- (میرمسین زاهدی)
(۱) بالای (۲) بدون
(۳) حوالی (۴) هنگام

(کلوز تست)

۷۲- (میرمسین زاهدی)
(۱) دانستن (۲) ساختن
(۳) داشتن، گرفتن (۴) مضایقه کردن
نکته مهم درسی
ساختار "get to do sth" به معنی «فرصت انجام کاری را داشتن» توجه کنید.

(کلوز تست)

ترجمه متن درک مطلب اول:

آیا می‌خواهی کاری را که می‌توانی، انجام دهی تا طبیعت را نجات دهی؟ با اخبار بد درباره گرمایش زمین، مرگ اقیانوس‌ها و حیوانات در معرض خطر انقراض، سخت است بدانیم از کجا باید شروع کنیم. در واقع راه‌های زیادی وجود دارد که می‌توانی کمک کنی.

هدر دادن آب یکی از بزرگ‌ترین راه‌هایی است که مردم [با آن] سلامت سیاره را به خطر می‌اندازند. بستن شیر آب در هنگام مسواک زدن یک نمونه از کارهایی است که می‌توانی از همین حالا انجام دهی. استفاده کمتر از آب حتی خیلی مهم‌تر است، اگر در منطقه‌ای کم‌آب زندگی می‌کنی.

مواد شیمیایی که برای شستن بدنمان، خانه‌هایمان، ماشین‌هایمان و تمام چیزهای دیگر استفاده می‌شود، آسیبی جدی به سیاره و حیات حیوانات وارد می‌کند. مواد شیمیایی برای انسان‌ها هم خوب نیستند، پس تمام سعی‌ات را بکن تا از آن‌ها کمتر استفاده کنی.

زغال سنگ و گاز طبیعی از رایج‌ترین منابع انرژی هستند که به برق تبدیل می‌شوند. سوختن این مواد یک عامل مهم در آلودگی هوای جهان است. ذخیره برق راه خوبی برای ایفای نقش در کمک به سیاره است.

یک منبع بزرگ آلودگی هوای دیگر که به گرمایش زمین منجر می‌شود، گازهای خروجی از ماشین‌ها، کامیون‌ها، هواپیماها و دیگر وسایل نقلیه است. گازی که برای راندن آن‌ها استفاده می‌شود، مواد شیمیایی‌ای که می‌سوزانند و ساخت جاده‌ها، همه نقش ایفا می‌کنند. اگر می‌توانی کمتر برانی یا کمتر مسافرت هوایی داشته باشی و در عوض رانندگی راه بروی و دوچرخه‌سواری کنی، کمک بزرگی به نجات سیاره خواهی کرد.

۷۳- (مهم ریمینی نهر آباری)
ترجمه جمله: «متن اساساً به بحث درباره چه چیزی می‌پردازد؟»
«روش‌های نجات طبیعت»

(درک مطلب)



ریاضی و آمار (۳)

۸۱- (کوروش داوری)

۳ تا \rightarrow تعداد $\{2, 3, 5\}$ = مجموعه اعداد اول صفحه عقربه‌ای شکل

۳ تا \rightarrow تعداد $\{2, 4, 6\}$ = مجموعه اعداد زوج در تاس

۱ حالت \rightarrow تعداد $(r, r, r) = 3$ سکه هر سه رو بیایند

طبق اصل ضرب داریم: $3 \times 3 \times 1 = 9$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۳)

۸۲- (مسین اسفینی)

عدد ۳ را انتخاب کرده و سه عضو دیگر نیاز داریم که باید از بین اعداد ۰، ۱، ۴، ۵، ۶ و ۷ انتخاب کنیم:

$$\binom{5}{3} = \frac{5!}{3! \times 2!} = \frac{5 \times 4}{2} = 10$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۹ تا ۱۱)

۸۳- (امیر زرانروز)

عبارت «کنکوری» را یک بسته در نظر می‌گیریم (یعنی حروف کلمه کنکوری، نمی‌توانند با هم جابه‌جا شوند) حالا خواهیم داشت:

$$720 = 6! = \text{تعداد کلمات مطلوب} \Rightarrow \text{کنکوری}$$

۱ بسته

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸۴-

اعداد سه‌رقمی بدون تکرار ارقام:

$$4 \times 4 \times 3 = 48 \rightarrow \text{اصل ضرب} \quad \boxed{4} \boxed{4} \boxed{3} : \text{تعداد کل اعداد سه‌رقمی با رقم دله شده}$$

$$3 \times 3 \times 2 = 18 \rightarrow \text{اصل ضرب} \quad \boxed{3} \boxed{3} \boxed{2} : \text{تعداد کل اعداد فرد سه‌رقمی با رقم دله شده}$$

$$48 - 18 = 30 = \text{تعداد اعداد زوج سه‌رقمی با ارقام داده شده}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۸۵-

(مسین اسفینی)

ابتدا تعداد حالت‌هایی را حساب می‌کنیم که در آن تعداد نفرات انتخابی از پایه‌های دهم و یازدهم یکسان باشد:

$$\binom{7}{2} \times \binom{5}{2} = \frac{7 \times 6}{2} \times \frac{5 \times 4}{2} = 21 \times 10 = 210$$

تعداد کل حالات برابر است با:

$$\binom{12}{4} = \frac{12!}{4! \times 8!} = \frac{12 \times 11 \times 10 \times 9}{4 \times 3 \times 2 \times 1} = 55 \times 9 = 495$$

$$\text{بنابراین: } 495 - 210 = 285 = \text{تعداد حالت‌های مطلوب}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸۶-

(امیر زرانروز)

زن ۳، مرد ۲ و زن ۱

$$\text{تعداد حالت‌های ممکن} = \binom{4}{1} \binom{6}{2} + \binom{4}{2} \binom{6}{1} + \binom{4}{3}$$

$$= 4 \times \frac{6!}{4!2!} + \frac{4!}{2!2!} \times 6 + 4 = 4 \times 15 + 6 \times 6 + 4$$

$$= 60 + 36 + 4 = 100$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸۷- (رفیم مشتاق‌نظم)

توجه کنید که بعد از انتخاب کتاب‌ها در قفسه به ترتیب چیده می‌شوند، پس ترتیب قرار گرفتن مهم است. بنابراین حالت‌های زیر امکان‌پذیر است:

۲ فلسفه و ۴ ریاضی یا ۳ فلسفه و ۳ ریاضی یا ۴ فلسفه و ۲ ریاضی

$$\binom{5}{2} \binom{4}{4} \times 6! + \binom{5}{3} \binom{4}{2} \times 6! + \binom{5}{4} \binom{4}{2} \times 6!$$

$$= (10 + 40 + 30) \times 6! = 80 \times 6!$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸۸- (امیر مهوریان)

برای آن که تعداد دانش‌آموزان انسانی بیشتر از تجربی باشد حالت‌های زیر ممکن است.

الف) ۴ دانش‌آموز انسانی و ۱ دانش‌آموز تجربی $\binom{8}{4} \times \binom{6}{1}$

ب) ۳ دانش‌آموز انسانی و ۲ دانش‌آموز تجربی $\binom{8}{3} \times \binom{6}{2}$

بنابراین تعداد کل حالت‌ها نیز برابر است با: $\binom{8}{4} \times \binom{6}{1} + \binom{8}{3} \times \binom{6}{2}$

$$= \frac{8!}{4! \times 4!} \times \frac{6!}{1! \times 5!} + \frac{8!}{3! \times 5!} \times \frac{6!}{2! \times 4!}$$

$$= \frac{8 \times 7 \times 6 \times 5 \times 4!}{1 \times 2 \times 3 \times 4 \times 4!} \times \frac{6 \times 5!}{1 \times 5!} + \frac{8 \times 7 \times 6 \times 5!}{3! \times 5!} \times \frac{6 \times 5 \times 4!}{2! \times 4!}$$

$$= 70 \times 6 + 56 \times 15 = 420 + 840 = 1260$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸۹- (کوروش داوری)

فضای نمونه پاسخ دادن به ۳ تست چهار گزینه‌ای $n(S) = 4^3 = 64$

فضای نمونه پاسخ دادن به ۴ تست دو گزینه‌ای $n(S) = 2^4 = 16$

$$\Rightarrow \frac{64}{16} = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۳)

۹۰- (حامد نصیری)

یکی از فرزندان محمد است، بنابراین از $2^3 = 8$ حالت که تعداد اعضای فضای نمونه سه فرزند است، حالت هر سه دختر را حذف می‌کنیم. بنابراین فضای نمونه خواسته شده ۷ عضو دارد.

$$S = \{(پ, پ, پ), (پ, پ, د), (پ, د, پ), (د, پ, پ), (پ, د, د), (د, د, پ), (د, د, د)\}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۳)



ریاضی و آمار (۱)

(امیر زرانروز)

-۹۵

$$(x-1)^3 - x^3 = -3x^2 \Rightarrow x^3 - 3x^2 + 3x - 1 - x^3 = -3x^2$$

$$\Rightarrow x^2 + 3x - 1 = 0 \Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = 9 - 4(1)(-1) = 9 + 4 = 13$$

$$x = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} = \frac{-3 \pm \sqrt{13}}{2(1)} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{-3 + \sqrt{13}}{2} \\ x_2 = \frac{-3 - \sqrt{13}}{2} \end{cases}$$

$$\Rightarrow |x_1 - x_2| = \left| \frac{-3 + \sqrt{13}}{2} - \frac{-3 - \sqrt{13}}{2} \right| = \left| \frac{2\sqrt{13}}{2} \right| = \sqrt{13}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

(معمد بفریانی)

-۹۶

$$\text{سود} = (-2x^2 + 40x) - (-400x + 8000) \Rightarrow -2x^2 + 440x - 8000$$

$$= -2x^2 + 440x - 8000$$

نقطهٔ سربه‌سر وقتی به دست می‌آید که سود برابر صفر باشد. در نتیجه:

$$-2x^2 + 440x - 8000 = 0 \xrightarrow{+(-2)} x^2 - 220x + 4000 = 0$$

$$\Rightarrow (x-200)(x-20) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = 200 \text{ (نقطهٔ سربه‌سر با مقدار کم تر)} \\ x = 20 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

(امیر زرانروز)

-۹۷

$$\Delta < 0 \rightarrow \text{شرط نداشتن ریشهٔ حقیقی} \Rightarrow x^2 - 10x - 2k = 0$$

$$\Rightarrow b^2 - 4ac < 0 \Rightarrow (-10)^2 - 4(1)(-2k) < 0$$

$$\Rightarrow 100 + 8k < 0 \Rightarrow 8k < -100 \Rightarrow k < \frac{-100}{8}$$

$$\Rightarrow k < \frac{-25}{2} \Rightarrow k < -12.5$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

(کوروش داودی)

-۹۸

$$4x^2 - 5x - 18 = 0 \Rightarrow \begin{cases} x' + x'' = \frac{-b}{a} = \frac{5}{4} \\ x'x'' = \frac{c}{a} = \frac{-18}{4} = \frac{-9}{2} \end{cases}$$

$$\Rightarrow 3x' + 3x'' + 4x'x'' = 3(x' + x'') + 4x'x''$$

$$= 3 \times \frac{5}{4} + 4 \left(\frac{-9}{2} \right) = \frac{15}{4} - \frac{36}{2} = \frac{15 - 72}{4} = \frac{-57}{4}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

(کوروش داودی)

-۹۹

$$\frac{2x+1}{x-3} + \frac{1}{x+3} = 1$$

$$\Rightarrow \frac{(2x+1)(x+3) + 1(x-3)}{(x-3)(x+3)} = 1$$

$$\Rightarrow \frac{2x^2 + 6x + x + 3 + x - 3}{x^2 - 9} = 1$$

(موسا عفتی)

-۹۱

اگر عدد را x در نظر بگیریم؛ از ربع آن برابر می‌شود با $\frac{A}{3}$

$$\frac{Ax}{12} + 96 = 2(x+12) \quad \text{بنابراین: } \frac{A}{3} \times \frac{x}{4} = \frac{Ax}{12}$$

$$\Rightarrow \frac{2}{3}x + 96 = 2x + 24 \Rightarrow 2x - \frac{2}{3}x = 96 - 24$$

$$\Rightarrow \frac{6-2}{3}x = 72 \Rightarrow \frac{4}{3}x = 72 \Rightarrow x = 54$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

(رحیم مشتاق‌نظم)

-۹۲

عرض مستطیل را x در نظر می‌گیریم. در نتیجه:



$$\left. \begin{aligned} \text{محیط مستطیل} &= 2(x + x + 4) = 4x + 8 \\ \text{مساحت مستطیل} &= x(x + 4) = x^2 + 4x \end{aligned} \right\} \Rightarrow \begin{aligned} 4x + 8 &= x^2 + 4x + 4 \\ x^2 &= 4 \end{aligned}$$

$$\Rightarrow x^2 = 4 \xrightarrow{x>0} x = 2 \Rightarrow \begin{cases} \text{طول} = 6 \\ \text{عرض} = 2 \end{cases} \Rightarrow \text{مساحت} = 12$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۸)

(رحیم مشتاق‌نظم)

-۹۳

جواب معادله در خود معادله صدق می‌کند، بنابراین داریم:

$$ax^2 + 3x - 2a + 2 = 0 \xrightarrow{x=2} 4a + 6 - 2a + 2 = 0$$

$$2a + 8 = 0 \Rightarrow a = -4$$

مقدار a را در معادله بعدی جایگزین می‌کنیم:

$$\xrightarrow{a=-4} -3x^2 + 4x + 7 = 0 \Rightarrow \begin{cases} x_1 = -1 \\ x_2 = \frac{7}{3} \end{cases}$$

نکته: در معادله $ax^2 + bx + c = 0$ اگر $b = a + c$ یک جواب -1 و

جواب دیگر $-\frac{c}{a}$ است.

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

(امیر زرانروز)

-۹۴

معادله را به روش مربع کامل حل می‌کنیم:

$$3x^2 - 6x - 1 = 0 \Rightarrow 3x^2 - 6x = 1 \xrightarrow{+3} x^2 - 2x = \frac{1}{3}$$

$$\xrightarrow{\text{اضافه کردن مربع نصف ضریب } x \text{ یعنی}} x^2 - 2x + 1 = \frac{1}{3} + 1$$

عدد $1 = \frac{(-2)^2}{4}$ به دو طرف

$$\Rightarrow (x-1)^2 = \frac{4}{3}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۹ تا ۳۳)



۱۰۳- (فاطمه فویمیان)
 منحنی تقاضا از چپ به راست نزولی است و رابطه آن با قیمت کالا، معکوس است بنابراین در نقطه B مقدار تقاضا بیشتر اما قیمت کمتر است.
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۱۰۴- (نسرین پعفری)
 الف) هنگامی که در بازار، مازاد تقاضا وجود داشته باشد، قیمت کالا در حال افزایش خواهد بود تا به سطح قیمت تعادلی برسد.
 ب) هنگامی که قیمت کالا در بازار، بالاتر از سطح قیمت تعادلی باشد، مازاد عرضه به وجود می‌آید؛ زیرا در قیمت‌های بالاتر تولیدکنندگان انگیزه بیشتری برای تولید دارند ولی مازاد عرضه و به فروش نرفتن کالا، سبب کاهش قیمت می‌شود.
 پ) تولیدکنندگان، ۶۰ واحد کالا عرضه کرده‌اند ولی فقط ۳۰ واحد آن توسط مصرف‌کنندگان خریداری شده است.
 تومان $30 \times 500 = 15,000 =$ حداکثر درآمد تولیدکننده
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۰۵- (نسرین پعفری)
 الف) دارو کالایی ضروری است و نمودار شماره (۲) با شیب زیاد و حساسیت کم، نمودار تقاضای آن است و نمودار شماره (۱) مربوط به تقاضای فرش‌های گران‌قیمت است که کالایی لوکس با شیب نمودار کم است.
 ب) عرضه‌کننده‌ای که بتواند با مدیریت خوب و تولید قابل انعطاف و ماشین‌آلات مستهلک‌نشده خود، شکل تولیدش را عوض کند و به جای کالای ارزان به تولید کالای گرانتر بپردازد، شیب منحنی عرضه‌اش کم و واکنش یا حساسیت عرضه‌کننده به تغییرات قیمت، زیاد است.
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۴)

۱۰۶- (سارا شریفی)
 الف) با توجه به اینکه نمودار صعودی است، نشان‌دهنده مفهوم عرضه در بازار است.
 ب) در نقطه B نسبت به نقطه C قیمت و مقدار کمتر است.
 ج) علت حرکت از نقطه B به A کاهش قیمت کالا در بازار است.
 د) علت حرکت از نقطه B به C افزایش قیمت کالا در بازار است.
 $P_C > P_B > P_A$
 $Q_C > Q_B > Q_A$
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۴)

۱۰۷- (سارا شریفی)
 الف) منحنی تقاضا (D) نزولی / منحنی عرضه (S) صعودی
 ب) در قیمت ۹۰۰ ریال (که بالای قیمت تعادلی (۷۰۰ ریال) است) در بازار کالا مازاد عرضه‌ای معادل ۷۰ کیلو $(150 - 80 = 70)$ وجود دارد.
 در قیمت ۳۰۰ ریال (که پایین قیمت تعادلی (۷۰۰ ریال) است) در بازار کالا کمبود عرضه‌ای معادل ۱۳۰ کیلو $(180 - 50 = 130)$ وجود دارد.
 ج) در قیمت ۵۰۰ ریال، مصرف‌کنندگان ۱۵۰ کیلو کالا تقاضا دارند در حالی که تولیدکنندگان در این قیمت تنها ۸۰ کیلو از کالا را تولید می‌کنند، بنابراین:
 ریال $80 \times 500 = 40,000 =$ حداکثر درآمد تولیدکنندگان در قیمت ۵۰۰ ریال

$$\frac{2x^2 + 8x}{x^2 - 9} = 1 \Rightarrow 2x^2 + 8x = x^2 - 9 \Rightarrow x^2 + 8x + 9 = 0$$

$$\Delta = (8)^2 - 4(1)(9) = 64 - 36 = 28$$

$$x_{1,2} = \frac{-8 \pm \sqrt{28}}{2 \times 1} = \begin{cases} \frac{-8 + 2\sqrt{7}}{2} = -4 + \sqrt{7} \text{ ق ق} \\ \frac{-8 - 2\sqrt{7}}{2} = -4 - \sqrt{7} \text{ ق ق} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۵۴)

۱۰۰- (مهمربیراین)
 $x = 2$ در معادله صدق می‌کند. بنابراین:

$$x=2 \rightarrow \frac{6+2}{k-2} + \frac{4+k}{2+k} = \frac{47}{5}$$

$$\Rightarrow \frac{8}{k-2} + \frac{4+k}{k+2} = \frac{47}{5} \Rightarrow \frac{8k+16+4k-8+k^2-2k}{k^2-4} = \frac{47}{5}$$

$$\Rightarrow \frac{k^2+10k+8}{k^2-4} = \frac{47}{5} \Rightarrow 5k^2-188=5k^2+50k+40$$

$$\Rightarrow 42k^2-50k-228=0 \Rightarrow 21k^2-25k-114=0$$
 با توجه به گزینه‌ها به ازای $k = 3$ داریم:
 $21 \times 3^2 - 25 \times 3 - 114 = 0 \Rightarrow 0 = 0$
 $k = 3$ در معادله صدق می‌کند.
 (ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۴)

اقتصاد

۱۰۱- (قارچ از کشور ۹۳، با تغییر)
 الف) قیمت یک کالا و مقدار خرید آن به وسیله «مصرف‌کنندگان» با هم «رابطه معکوس» دارند. با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش یافته و در مقابل، با کاهش قیمت، مقدار تقاضا افزایش می‌یابد.
 - در کالاهای لوکس، شیب منحنی تقاضا کم است، یعنی عکس‌العمل مصرف‌کننده در برابر قیمت زیاد است که اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی تقاضا زیاد است.
 - اگر تولیدکننده‌ای به دلیل مدیریت ضعیف یا فرسوده بودن تجهیزات نتواند با افزایش قیمت، تولید خود را افزایش دهد، منحنی عرضه‌اش با شیب بیشتر است و اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی عرضه پایین است.
 ب) اگر «تولیدکنندگان» بیش از مقدار تقاضای مصرف‌کنندگان کالا تولید کنند و مصرف‌کنندگان بخواهند به مقداری بیش از مقدار تولید «تولیدکنندگان» کالا خریداری کنند، دچار مشکل خواهند شد. پس «رفتار اقتصادی» این دو گروه باید هماهنگ باشد و عاملی که این هماهنگی را ایجاد و عرضه و تقاضا را مساوی هم می‌کند، «قیمت کالا» است.
 ج) هرگاه در بازار، قیمت در سطح قیمت تعادلی نباشد، عواملی آن را به سمت قیمت تعادلی می‌کشاند.
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵ و ۳۷)

۱۰۲- (فاطمه فویمیان)
 در وضعیت تعادل مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر است.
 (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۵)

علوم و فنون ادبی (۳)

۱۱۱- (اعظم نوری نیا)

صبای کاشانی در «گلشن صبا» از بوستان سعدی پیروی کرده است. مهم‌ترین اثر عشقی، «پده‌آل» یا «سه تابلوی مریم» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۳ و ۱۸)

۱۱۲- (اعظم نوری نیا)

در دورهٔ بیداری، شعرای آزادی‌خواه و گروهی از روشن‌فکران به نقد شرایط موجود پرداختند که با مخالفت دولت همراه بود؛ افرادی مثل ملک‌الشعرا بهار، نسیم شمال، میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی از آن دسته بودند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۵)

۱۱۳- (فرهار علی نژاد)

موارد نادرست:

۱- سرخوردگی از زبان سبک هندی مربوط به دورهٔ بازگشت است.
۲- آثار منثور عهد مشروطه در حوزه‌های دیگری مثل روزنامه‌نگاری و تحقیقات ادبی و تاریخی هم خلق شدند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۱۱۴- (مهنس اصغری)

ویژگی بارز نوشته‌های دهخدا طنزهای سیاسی - اجتماعی اوست که به نثر ساده و عامیانه نگاشته شده است. این ویژگی در عبارت گزینۀ «۳» وجود دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۱۵- (سعید پعفری)

وزن بیت: -U/U--U/U--U/U-- (مفعول مفاعیل مفاعیل فاعولن)

سر مای ا د رن دی ش ای اس باب ا ت لف شد

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: -UU--/U--U--/ (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

گزینهٔ «۳»: -UU--U--/UU--/ (مفاعیل فاعلات مفاعیل فاعلن)

گزینهٔ «۴»: --U--U--U/U-- (مفعول مفاعیل فاعولن)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

۱۱۶- (سیر همال طباطبایی نژاد)

وزن بیت گزینۀ «۲» مفتعلن مفاعیل مفتعلن مفاعیل و دولخی همسان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)

گزینهٔ «۳»: مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

گزینهٔ «۴»: مفاعیل فاعلات مفاعیل فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۵)

۱۱۷- (سعید پعفری)

وزن ابیات:

الف و ت) -UU--/U--U--/

ب) -UU--/U--U--/

پ) -UU--/U--U--/

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۴)

د) مازاد تقاضا در سطوح قیمت‌های پایین‌تر از قیمت تعادلی اتفاق می‌افتد، بنابراین ما باید قیمت‌های ۵۰۰ و ۳۰۰ ریال را مورد بررسی قرار دهیم.

کیلو $150 - 80 = 70$ = مازاد تقاضا در قیمت ۵۰۰ ریال

کیلو $180 - 50 = 130$ = مازاد تقاضا در قیمت ۳۰۰ ریال

کیلو ۱۲۰ = تقاضای تعادلی

بنابراین در سطح قیمت ۳۰۰ ریال، تفاضل میزان مازاد تقاضا (۱۳۰ کیلو) در بازار با مقدار تقاضای تعادلی (۱۲۰ کیلو) برابر با ۱۰ کیلو است.

ه) در سطح قیمت تعادلی مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر می‌شود. در قیمت ۷۰۰ ریال، ۱۲۰ کیلو توسط تولیدکنندگان عرضه و ۱۲۰ کیلو کالا توسط مصرف‌کنندگان تقاضا می‌شود.

و) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی بازار با مازاد عرضه روبه‌رو می‌شود، در این حالت چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی کمتر به فروش برسانند؛ در نتیجه قیمت کم می‌شود. این کاهش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن فاصلهٔ عرضه و تقاضا از بین برود و در بازار تعادل برقرار شود یعنی به سطح قیمت تعادلی برسیم. بنابراین در قیمت ۱۱۰۰ ریال برای رسیدن به تعادل در بازار، قیمت باید ۴۰۰ ریال $(400 = 1100 - 700)$ کاهش یابد. (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۰۸- (فاطمه فویمیان)

در نتیجهٔ افزایش قیمت کالا، مقدار تقاضا کاهش می‌یابد، بنابراین اعدادی که می‌توان در نقطهٔ A قرارداد باید از ۲۰۰ ریال بیشتر باشد. (رد گزینهٔ ۱)

در نتیجهٔ کاهش قیمت کالا، مقدار عرضه نیز کاهش می‌یابد، بنابراین اعدادی که می‌توان در نقطهٔ B قرارداد باید از ۳۵۰ ریال کمتر باشد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) (اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۰۹- (موسا عفتی)

مقادیر جدول، مقادیر عرضه را نشان می‌دهند، چرا که با افزایش قیمت، مقادیر نیز در حال افزایش می‌باشند. مقادیر نمودار نشان‌دهندهٔ مقادیر تقاضا است، چرا که نزولی است و نشان‌دهندهٔ رابطهٔ معکوس مقادیر تقاضا و قیمت است.

الف) در سطح قیمت ۲۰۰ ریال، ۴۰۰ کیلو کالا عرضه می‌شود ولی تنها ۲۰۰ کیلو تقاضا می‌شود، در نتیجه داریم:

$200 \times 200 = 40000$ = حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت ۲۰۰ ریال

ریال $40,000 =$

ریال $150 =$ قیمت تعادلی

کیلو $300 =$ مقدار تعادلی

ریال $150 \times 300 = 45,000 =$ درآمد تولیدکنندگان در حالت تعادل

ج) وقتی در بازار قیمت از سطح قیمت تعادلی بالاتر برود، مازاد عرضه به‌وجود می‌آید؛ بدین ترتیب چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند، در نتیجه قیمت پایین می‌آید.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۱۰- (موسا عفتی)

بازار کالایی چون ماکارونی: رقابتی / بازار خودرو در کشور ما: انحصار در فروش / شرکت پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی: از یک سو تنها خریدار و از یک سو تنها فروشنده (انحصار در خرید و فروش) / شرکت توانیر در کشور ما: انحصار در فروش / فروشندگان آثار هنری: مزایده / خریدهای دولتی: مناقصه

(اقتصاد، بازار، صفحه ۳۸)

۱۲۴- (کتاب آبی)
ادیب‌الممالک فراهانی، شاعری است که عبارت مورد نظر درباره او صدق می‌کند.
(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۶)

۱۲۵- (کنکور قاجار از کشور ۹۴)

شا	هی	ک	ب	رو	ز
-	-	U	U	-	U
زر	رین	ن	ه	دو	ب
-	-	U	U	-	U

رز	م	از	را	دی
-	U	-	-	-
تی	ر	در	پی	کان
-	U	-	-	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۱۲۶- (کنکور سراسری ۹۵)

وزن مصراع گزینه «۲»: مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۲۷- (کتاب آبی)

تقطیع هجایی درست گزینه «۳»:

ما	ل	ک	ف	ل	خ	م	ة	م	س	ت	ل	یا
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	-	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

۱۲۸- (کنکور سراسری ۹۶، با تغییر)

بیت صورت سؤال در وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۵)

۱۲۹- (کنکور قاجار از کشور ۹۱، با تغییر)

وزن بیت صورت سؤال و گزینه «۱» هر دو «مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن» می‌باشد.

ء	گر	ب	مذ	ه	ب	ت	خو
U	-	U	-	U	U	-	-
گ	ره	ز	دل	ب	گ	شا	وز

ن	عا	ش	قس	ت	م	باخ
U	-	U	-	U	U	-
س	په	ر	یا	د	م	کن

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن»

گزینه «۳»: «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» یا «مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن»

گزینه «۴»: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۳۰- (کنکور قاجار از کشور ۹۲، با تغییر)

وزن این بیت «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۵)

۱۱۸- (نسرین عقی پرست)

بیت الف) مفاعیلن مفاعیلن فعولن (همسان)

بیت ب) فاعلاتن فاعلاتن فعلن (همسان)

بیت ج) مفعول فاعلات مفاعیلن فاعلن (ناهمسان)

بیت د) فاعلاتن مفاعلن فعلن (ناهمسان)

بیت ه) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (همسان)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۱۹-

(عمیر مهرئی)

وزن این بیت «مفعیلن فاعلات مفتعلن فع» بوده و هجاهای آن به صورت دیگری قابل دسته‌بندی نیست.

وزن ابیات سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن بیت «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» یا «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است.

گزینه «۲»: وزن بیت «مستفعلن فاعلات مستفعلن» یا «مفعول مفاعلن مفاعیلن» است.

گزینه «۳»: وزن بیت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» یا «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۲۰-

(غار، قه‌سارات طباطبائی نژاد)

وزن مشترک مصراع سؤال و گزینه «۳»، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

گزینه «۲»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

گزینه «۴»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

۱۲۱-

(کتاب آبی)

مشتاق اصفهانی در زمان نادرشاه و کریم‌خان زند به همراهی چند تن دیگر از ادیبان، «انجمن ادبی اصفهان» را اداره می‌کردند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۲)

۱۲۲-

(کتاب آبی)

هرچند شاعران عصر بازگشت باعث نوآوری و تکامل شعر فارسی نشدند، اما از این جهت اهمیت دارند که توانستند زبان شعر را از حالت سستی که در اواخر سبک هندی در آن به وجود آمده بود، نجات بخشند. اگر این نهضت به پا نشده بود، چه‌بسا زبان فاخر شعر فارسی دچار سستی و ضعف بیش‌تری می‌شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۳)

۱۲۳-

(کتاب آبی)

در عصر بیداری به دلیل تمرکز بیشتر فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در تهران، شعر و ادب هم بیشتر به این شهر منحصر می‌شد؛ به طوری که حتی روزنامه «نسیم شمال» را که سید اشرف‌الدین در رشت منتشر می‌کرد، مردم تهران بیشتر می‌خواندند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

علوم و فنون ادبی (۱)

۱۳۱- (الف) کسایی مروزی، قصیده تمام و کمال در موضوع موعظه و نصیحت سرود و ناصر خسرو شیوه او را ادامه داد.

(ب) شعر پارسی به دست رودکی بنیاد نهاده شد؛ به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهاده‌اند.

(پ) حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به اوج رسید.

(ت) شعر غنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه ۴۳)

۱۳۲- (اعظم نوری‌نیا)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در نثر این دوره، هنوز آوردن اصطلاحات علمی و اشعار و امثال رایج نشده بود.

گزینه «۲»: تفسیر طبری را جمعی از دانشمندان آن زمان به فارسی ترجمه کردند.

گزینه «۴»: امروزه فقط چند صفحه از مقدمه «شاهنامه ابومنصور» باقی مانده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

۱۳۳- (اعظم نوری‌نیا)

یکی از ویژگی‌های شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، سادگی فکر و روانی کلام است. شاعر می‌کوشد تا فکر و خیال خود را همان‌گونه که به خاطرش می‌رسد، بیان کند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

۱۳۴- (فرهاد علی‌نژاد)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در تقسیم‌بندی بهار، شعر و نثر فارسی هر دو در شش دوره طبقه‌بندی شده‌اند.

گزینه «۳»: نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان پدید آمد.

گزینه «۴»: با خروج شعر از دربار و ورود آن به خانقاه، دامنه موضوعات شعر گسترش یافت.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۸، ۴۷ و ۴۸ و ۵۵)

۱۳۵- (عارف‌سادات طباطبایی‌نژاد)

مفهوم بیت گزینه «۲» ترک تعلقات دنیوی برای رسیدن به آرامش اخروی است که از مفاهیم ذهنی رایج در عرفان اسلامی است و تناسبی با عبارت سؤال ندارد. در گزینه‌های دیگر سخن از اموری واقعی است:

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: توصیف عشق زمینی

گزینه «۳»: توصیف قدرت ممدوح

گزینه «۴»: توصیف بهار

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۴۹)

۱۳۶- (عارف‌سادات طباطبایی‌نژاد)

کلیله و دمنه به نثر مصنوع نگاشته شده است، در حالی که گزینه «۴» به سبک نثر موزون نزدیک‌تر است. اطناب و کاربرد بیشتر واژگان عربی که از ویژگی‌های نثر مصنوع است در سه گزینه نخست دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۳۷- (عارف‌سادات طباطبایی‌نژاد)

در بیت گزینه «۲»، دو حرف اضافه برای یک متمم به کار نرفته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این بیت واژه عربی ندارد.

گزینه «۳»: کلمه «شش» و «خوش» هر دو به صورت متفاوتی (شش - خَش) تلفظ شده‌اند. (از هم قافیه بودن این کلمات می‌توان این نکته را دریافت.)

گزینه «۴»: «نیوشنده» واژه‌ای کهن است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۴۸)

۱۳۸- (مهندس اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: فرا رسیدن پیری و سپری شدن روزگار جوانی

مفهوم بیت گزینه «۴»: با رسیدن پیری نیز لغزش و گمراهی شاعر کم نشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۵)

۱۳۹- (کتاب آبی)

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴»: برای به‌دست آوردن مقام و بزرگی باید خطرات را با جان و دل بپذیرا بود.

مفهوم بیت گزینه «۱»: از زندگی لذت ببر و جاه و مقام را رها کن

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۴۸)

۱۴۰- (کتاب آبی)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط، «ضرورت رنج و خطر برای رسیدن به مقصود» است اما در بیت گزینه «۲» شاعر تسلیم و رضا را موجب آسایش و آرامش می‌داند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۴۸)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۴۱- (معمد هاروق مفسنی)

«إِنَّ» همانا، قطعاً/ «يُحِبُّ»: دوست دارد (رد گزینه ۳؛ بیشتر اضافی است)/

«الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ»: کسانی که پیکار می‌کنند/ «فِي سَبِيلِهِ»: در راه او (رد

گزینه ۴)/ «صَقًّا»: صف در صف، صف کشیده/ «كَأَنَّهُمْ بِنِجَانٍ مُّرْصُوعٌ»:

گویی آنان ساختمان‌های استوار هستند (رد سایر گزینه‌ها)

(عربی (۳)، ترجمه، صفحه ۸)

۱۴۲- (معمد هاروق مفسنی)

«يَتَسَّنَّ»: (در این جا) ناامید شدند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)/ «معرفة سرّ تلک

الظَّاهِرَة العجیبه»: شناخت راز آن پدیده عجیب (رد گزینه ۲)/ «فی بلادهم»:

در کشور خویش (رد گزینه ۴)/ «لأنّه»: زیرا/ «هناک أسئلة كثيرة»: سوالات

بسیاری وجود دارد (هست) (رد گزینه‌های ۲ و ۴)/ «حولها»: در مورد آن

(عربی (۱)، ترجمه، صفحه ۲۶)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «أَنَّ: که» عبارت قبل و بعد را به هم ارتباط داده است.
گزینه ۲: «لَعَلَّ: شاید» برای بیان امید و پیش‌بینی آمده است.
گزینه ۴: «يَا لَيْتَ: ای کاش» برای بیان آرزو آمده است.
(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه‌های ۷ و ۸)

تاریخ (۳)

۱۵۱- (بهورز یحیی)
از برجسته‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- تأکید بر تاریخ سیاسی و نظامی و شرح طولانی زندگی شاهان، جنگ‌ها و فتوحات
- بی‌توجهی به زندگی اجتماعی و حیات فرهنگی و اقتصادی مردم
- داشتن روحیه تملق و چاپلوسی
- بی‌توجهی به علل و نتایج رویدادها و تحولات تاریخی
- تأکید بر مصنوع و متکلف‌نویسی و پرهیز از ساده‌نویسی
- بی‌توجهی به سنجش و نقد منابع
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۲)

۱۵۲- (بهورز یحیی)
جنگ‌های ایران و روسیه در دوران پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، توجه زمامداران و نخبگان ایران را به دنیای غرب جلب کرد.
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۳)

۱۵۳- (بهورز یحیی)
برخی از سرداران و سران ایل‌ها مانند نادر افشار و فتحعلی خان قاجار (پدر بزرگ آقا محمدخان) به تهاجم دوم پیوستند و در نخستین گام، خراسان را تصرف کردند.
(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۵۴- (علی‌مهر کریمی)
میرزا آقاخان کرمانی مورخ عصر قاجار در رواج تاریخ‌نگاری جدید گام‌های مؤثری برداشت. او معتقد بود که مورخان جدید اروپایی با بررسی سیر حوادث و مطالعه علل و نتایج رویدادها به قوانینی دست یافته‌اند که آن را «حکمت تاریخی» می‌نامند.
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۵۵- (علی‌مهر کریمی)
نادر برای انگلیسی‌ها معافیت‌های گمرکی در نظر گرفت و درصدد برآمد از دانش آنان در زمینه تأسیس نیروی دریایی خلیج فارس و دریای مازندران استفاده کند به همین منظور جان التون انگلیسی را استخدام کرد.
(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۱)

۱۴۳- (رضا معصومی)
ترجمه فعل «یدرکون» به صورت ماضی بعید نادرست است، فعل مضارع پس از «لیت/لعل» عموماً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (ترجمه صحیح: کاش دانش‌آموزان ارزش وقت را در زندگی درک کنند!)
(عربی (۳)، ترجمه، ترکیبی)

۱۴۴- (سید ممبرعلی مرتضوی)
«همانا: اِنَّ (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «مسلمانان»: المسلمین (رد گزینه ۳) / «دستور می‌دهد»: یأْمُرُ (رد گزینه ۳) / «معبودان افراد مشرک و کافر»: معبودات المشرکین و الکافرین (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «که» دشنام ندهند: (أَنَّ + لا = أَلَّا) یسْتَوِا (رد گزینه‌های ۱ و ۳)
(عربی (۱)، ترجمه، صفحه ۳۶)

۱۴۵- (سید ممبرعلی مرتضوی)
«تَفَقَّهُوا» فعل امر از باب تَفَعَّلَ است، فعل امر در این باب بر روی عین الفعل، حرکت فتحه دارد؛ پس «تَفَقَّهُوا» صحیح است.
(عربی (۱)، ضبط حرکات، ترکیبی)

۱۴۶- (سید ممبرعلی مرتضوی)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: «صَفَّة» نادرست است. (خبر أَنَّ است).
گزینه ۲: «اسم.../خبر...» نادرست است. (مبتدا و خبر هستند).
گزینه ۴: «خبر لکن» نادرست است. (صفت است).
(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه ۷)

۱۴۷- (رضا معصومی)
در گزینه ۱: «أ»، فقط «الأسماء» جمع مکسر است.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: «جمع‌های مکسر: موتی، أحياء»
گزینه ۳: «جمع‌های مکسر: الأمطار، الأسماء»
گزینه ۴: «جمع‌های مکسر: اللّحوم، العظام»
(عربی (۳)، واژگان و مفهومی، ترکیبی)

۱۴۸- (رضا معصومی)
«یحترق: آتش می‌گیرد» فعل لازم است و بدون نیاز به مفعول در جمله به کار می‌رود. سایر افعال موجود متعدی هستند.
(عربی (۱)، قواعد فعل، صفحه ۲۹)

۱۴۹- (سید ممبرعلی مرتضوی)
ضمیر «ک» متناسب با صیغه مفرد مؤنث مخاطب است، بنابراین باید فعل مضارع به همین صیغه و به شکل «تجاهدين» بیاید.
(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه ۷)

۱۵۰- (بشیر حسین زاده)
صورت سؤال، حرفی را می‌خواهد که برای بیان گمان و حدس آمده باشد؛ «كأنّ: گویی، گویا، مثل این‌که، انگار» از حروف مشبّهة بالفعل و برای بیان حدس، گمان و گاهی تشبیه می‌باشد. (ترجمه عبارت: انگار در چمدان تو یک تیر است ای مسافر!)

۱۶۲- (معمداً ابراهیم مازنی)
منظور از مقر، مکان اصلی و دقیق یک سکونتگاه و محل استقرار آن روی زمین است.
منظور از موقعیت یک شهر یا روستا، وضعیت آن سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.
منظور از هسته اولیه مکانی است که مردم برحسب نیاز، آن را برای زندگی انتخاب کرده و به اشغال درآورده‌اند و بعدها روستا یا شهر از آن محل گسترش یافته است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲ و ۳)

۱۶۳- (بعروز یحیی)
مداول‌ترین ملاک تشخیص شهر و روستا «ملاک جمعیتی» است و مهم‌ترین ملاک تفاوت شهر و روستا، «فعالیت‌های اقتصادی» آن‌هاست.
(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۶)

۱۶۴- (فاطمه سقایی)
تا چند دهه پیش، شهرهای با بیش از ۵ و ۱۰ میلیون نفر در جهان، فقط در نیمکره شمالی و در آمریکای شمالی، اروپا و ژاپن وجود داشتند؛ اما امروزه آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا با رشد شهرهای میلیونی و پرجمعیت روبه‌رو شده‌اند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۱)

۱۶۵- (آرزو میرزایی)
یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مربوط به تغییرات الگوی شهرنشینی در جهان، افزایش شهرهای میلیونی است. در سال ۱۹۵۰ میلادی، دو شهر لندن و نیویورک بیشتر از ۸ میلیون نفر جمعیت داشتند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۱)

۱۶۶- (معمداً علی فطیعی باگی)
معمولاً به مادرشهر (متروپول)، کلان‌شهر نیز گفته می‌شود. برخی نیز معتقدند کلان‌شهر ترجمه و معادل واژه مگاسیتی است. با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومه‌های آن‌ها، به تدریج منطقه‌هایی با عنوان منطقه مادرشهری به‌وجود آمدند. در نتیجه گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر، زنجیره‌ای از مادرشهرها پدید می‌آید که به آن‌ها مگالاپلیس (منطقه ابرشهری) می‌گویند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۳)

۱۶۷- (آرزو میرزایی)
با بروز تحولات صنعتی و ورود کشورها به عصر نوسازی (مدرنیزاسیون)، نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها افزایش یافت.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۶۸- (آرزو میرزایی)
در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به‌دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۵۶- (علی‌محمد کرمی)
میرزا فتحعلی خان آخوندزاده یکی از متفکران دوره قاجار با اینکه مورخ نبود، تاریخ‌نویسی سنتی را به شیوه علمی نقد کرد. او در رساله ایراد، شیوه تاریخ‌نویسی رضاعلی خان هدایت را به دلیل استفاده او از شعر در بیان رویدادها و به کار بردن الفاظ مصنوع ادبی مورد انتقاد قرار داد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۵)

۱۵۷- (آرزو میرزایی)
اولین روزنامه ایران را میرزا صالح شیرازی، یکی از دانشجویان اعزامی به انگلستان با عنوان کاغذ اخبار در تهران منتشر کرد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۱۲)

۱۵۸- (آرزو میرزایی)
سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی دو سوی عالم وضعیت دوگانه متضادی داشت. در جانب شرق، ایران، عثمانی و گورکانیان هند دوران ضعف خود را سپری می‌کردند و در جانب غرب، روسیه، انگلستان و فرانسه در مسیر قدرت و شکوفایی قرار داشتند.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۴)

۱۵۹- (میلاد هوشیار)
آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها، دربار کم‌تجمل و تلاش کریم خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی دوره زندیه بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۲)

۱۶۰- (میلاد هوشیار)
مکتب نقاشی شیراز که در دوره مغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید و نقاشان برجسته‌ای مانند محمدصادق، اشرف و میرزاابا آثار زیبایی آفریدند.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۴)

جغرافیا (۳)

۱۶۱- (معمداً ابراهیم مازنی)
مقر هر روستا یا شهر، هسته اولیه آن را شامل می‌شود. منظور از هسته اولیه مکانی است که مردم برحسب نیاز، آن را برای زندگی انتخاب کرده و به اشغال درآورده‌اند و بعدها روستا یا شهر از آن محل گسترش یافته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از چهار هزار سال قبل، نخستین روستاهای پرجمعیت و همچنین تمدن‌های اولیه در کنار رودهای دجله و فرات، نیل، کارون، سند و... پدید آمدند.

گزینه «۳»: در سکونت‌گزینی انسان‌ها در کنار رودها، عواملی چون آب فراوان، آب‌وهوای ملایم و خاک حاصلخیز جلگه‌ها نقش مهمی داشته است.

گزینه «۴»: جایگاه سکونتگاه در سطح ناحیه، در ذیل تعریف «موقعیت» بیان می‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲ و ۳)

۱۷۶- (آزاده میرزایی)

ساسانی: صاحب‌منصبان عالی‌رتبه دینی، سیاسی و نظامی
اشکانی: خاندان شاهی و شش خانواده قدرتمند
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۲)

۱۷۷- (آزاده میرزایی)

الف) هخامنشی (ب) اقتصادی و اجتماعی (پ) ساسانیان
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۱۳)

۱۷۸- (میلاد هوشیار)

اقوام آریایی مهاجر به ایران همچون آریایی‌های هند، خدایان متعددی را می‌پرستیدند. آن‌ها را بغ (خدا / خدایگان)، آهوره (سرور) و امرتا (بی‌مرگ) می‌خواندند.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۲۸)

۱۷۹- (میلاد هوشیار)

جاده شاهی که به فرمان داریوش بزرگ احداث شد، شوش، یکی از پایتخت‌های هخامنشی را به شهر سارد در آسیای صغیر متصل می‌کرد.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۲۰)

۱۸۰- (میلاد هوشیار)

در دوران حکومت سلوکیان، تجارت رونق گذشته را نداشت؛ از حجم مبادله کالاهای ارزان‌قیمت کاسته شد و در عوض اشیای تجملی، جای آن‌ها را گرفت.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۲۶)

جغرافیای ایران

۱۸۱- (پهروز یحیی)

میزان مرگومیر - میزان موالید = رشد طبیعی جمعیت
$$\Rightarrow \frac{۸۰۰۰۰۰ - ۶۰۰۰۰۰}{۴۰۰۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵۰\%$$

$$\frac{۷۰}{۵} = ۱۴ = \text{مدت زمان دوبرابردن جمعیت}$$

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۱۸۲- (فاطمه سقایی)

هرم سنی «ب» که در آن میزان موالید کم و تعداد افراد سالمند زیاد است، متعلق به کشور توسعه‌یافته آلمان است.
مقایسه هرم سنی دو کشور ایران و آلمان نشان می‌دهد که میزان رشد موالید در کشور ایران بیشتر از کشور آلمان است.
(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۶)

۱۸۳- (محمدرابریه مازنی)

سیاست‌های کاهش جمعیت، سبب کاهش رشد جمعیت می‌شود. این کاهش در آینده می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند که از جمله می‌توان به برهم‌خوردن تعادل جمعیتی (سن و جنس)، کاهش نیروی فعال و تضعیف نیروی دفاعی کشور، اشاره کرد.

۱۶۹- (فاطمه سقایی)

به‌طور کلی، افزایش جمعیت شهری از سه طریق صورت گرفته است:
۱- افزایش طبیعی جمعیت شهرها یعنی رشد موالید (تولدها) نسبت به مرگومیر؛
۲- مهاجرت روستاییان به شهرها؛
۳- افزایش جمعیت برخی روستاها و تبدیل شدن آن‌ها به نقاط شهری یا ادغام روستاها در بافت شهری.
(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۹)

۱۷۰- (آزاده میرزایی)

با اصلاحات ارضی در ایران، به‌سبب تقسیم نادرست زمین، حمایت‌نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی، نه‌تنها وضع بهتر نشد بلکه شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد. در نتیجه، مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.
(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۰)

تاریخ (۱)

۱۷۱- (پهروز یحیی)

سنگ‌نوشته شاپور یکم در کعبه زرتشت در نقش رستم، شبح جنگ‌های این پادشاه با رومیان را بازگو می‌کند.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۸)

۱۷۲- (پهروز یحیی)

کهن‌ترین نشانه و آثاری که از حضور انسان در ایران تاکنون کشف شده، مربوط به بستر کشف‌شده در نزدیکی مشهد در خراسان رضوی است و شوش و چغامیش در خوزستان، شهداد و جیرفت در کرمان، شهر سوخته در سیستان و سیلک در کاشان از جمله نخستین شهرها در ایران هستند.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۷۲ و ۷۵)

۱۷۳- (علی‌مهد کریمی)

خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم که از ۴۰۴ تا ۳۵۸ ق. م حکومت می‌کرد، دچار تفرقه درونی شد.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۷)

۱۷۴- (علی‌مهد کریمی)

فرهاد دوم در سال ۱۲۹ ق. م بر سپاه آنتیوخوس هفتم پیروز شد و سلوکیان را از ایران بیرون راند و در زمان مهرداد دوم که پادشاه لایق و با تدبیری بود و با فتوحاتی که انجام داد قلمرو اشکانیان به نهایت وسعت خود رسید.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۷۵- (آزاده میرزایی)

در دوران حکومت سلوکی، قدرت و مناصب مهم سیاسی، اداری و نظامی در اختیار یونانیان بود. سلوکیان برای تحکیم سلطه خود یونانیان زیادی را به ایران کوچاندند.
(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۲)

۱۹۰- (آزاده میرزایی)
امروزه بخش خدمات کمک زیادی به ترسیم سایر بخش‌های اقتصادی می‌کند و زیربنای توسعه اقتصادی بر اساس سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات مناسب آن شکل می‌گیرد.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۹۴)

جامعه‌شناسی (۳)

۱۹۱- (پارسا هبیبی)
هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آن‌هاست.

کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.

جهان‌های اجتماعی مختلف بر اساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند. (جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۳ تا ۶)

۱۹۲- (پارسا هبیبی)
اگر دانش عمومی نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۳ و ۵)

۱۹۳- (پارسا هبیبی)
اگر تلقی جهان متجدد از علم در جوامعی که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، در ذخیره دانشی آن جوامع تعارضاتی پدید می‌آید ← ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود ← دانش علمی از رشد و رونق باز می‌ماند و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۶)

۱۹۴- (ارغوان عبدالملکی)
در دیدگاه اول، تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.

رویکرد دوم در تقابل با رویکرد اول، این تفکیک را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها نه کشف و بازخوانی واقعیت بلکه بازسازی واقعیت هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. این دیدگاه برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحل‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.

اگر سیاست کنترل جمعیت در ابعاد شدید ادامه پیدا کند، جمعیت کشور به تدریج دچار پیری می‌شود و مشکلات دیگری در بر خواهد داشت. اساساً نباید سیاست کنترل جمعیت به گونه‌ای باشد که هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی حرکت کند؛ زیرا این پدیده مانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه خواهد بود.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۷)

۱۸۴- (آزاده میرزایی)
علت مهاجرت آریایی‌ها از شمال دریای خزر به جنوب ← سرما و از دست دادن چراگاه‌ها
علت مهاجرت سیستانی‌ها به سرزمین گرگان ← خشک شدن منابع آب منطقه

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۸)

۱۸۵- (فاطمه سفایی)
در دوره قاجاریه ایران به چهار ایالت و دوازده ولایت تقسیم شد. این ایالت‌ها عبارت بودند از: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، قزاق و بنادر، خراسان و سیستان.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۰)

۱۸۶- (مهم‌ر ابراهیم مازنی)
تشریح موارد نادرست:
بزرگ‌ترین شهرهای ایران در گذشته، در مسیر راه‌های کاروان‌رو و بازرگانی داخلی و خارجی شکل گرفته‌اند.

افزایش جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی، زمینه‌ساز ایجاد شهرهای اولیه شد. ۵۳ درصد از سکونتگاه‌های شهری ایران در ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر قرار دارند شهر باستانی بیشاپور در زمان ساسانیان از اهمیت ارتباطی مهمی در ایران برخوردار بود.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۸)

۱۸۷- (آزاده میرزایی)
بررسی گزاره‌ها:

الف) سکونتگاه‌های عشایری (ب) عشایر (ج) روستاییان (د) روستاییان
(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۹)

۱۸۸- (مهم‌ر علی فطیپی باکی)
روستاهایی که در منطقه ساحلی یا کناره یک رود قرار دارند یا در امتداد یک جاده شکل می‌گیرند، به شکل خطی هستند.
شهرها با توجه به چگونگی پیدایش و کارکردهای مختلف خود، شکل‌های متفاوت دارند. برخی از شهرها شکل ترکیبی دارند؛ این شهرها در دوره‌های مختلف گسترش پیدا کرده‌اند.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

۱۸۹- (فاطمه سفایی)
صنایع نفت و گاز بزرگ‌ترین بخش صنعتی کشور هستند.
صنعت خودروسازی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی کشور است.
صنایع مربوط به فلزات اساسی، بخش زیادی از صادرات غیرنفتی کشور را پوشش می‌دهد.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۹۹- (آزیتا بیرقی)
علوم اجتماعی، ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. علوم اجتماعی با دآوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورد. از مصادیق این موضع‌گیری و تأثیرات آن، می‌توان به مسأله انتشار خبر فوت نوبل و تصمیمات بعدی او اشاره کرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۰۰- (آزیتا بیرقی)
اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.

ما با شناخت قواعد زندگی در خانواده، کلاس، شهر، محله، کشور و دیگر اجتماعات، هم از فرصت‌های آن‌ها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم.

علوم انسانی درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کنند. می‌دانید کنش با آگاهی و اراده انسان انجام می‌شود و هدف و معنای خاصی دارد و به همین دلیل شناخت آن بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست. علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کنند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند، با آن‌ها که درباره انسان بحث می‌کنند، جزو علوم انسانی نیستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۵)

جامعه‌شناسی (۱)

۲۰۱- (آزیتا بیرقی)
عبارت اول ← خرد و عینی ← کنش اجتماعی
عبارت دوم ← ذهنی (نامحسوس) و کلان ← عقیده
عبارت سوم ← ذهنی و کلان ← تصور (پدیده‌های ذهنی)، چنان بدون جنگ (کلان)

عبارت چهارم ← خرد و ذهنی ← ذهنی (علاقه)، نویسنده‌ای خاص (خرد)
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۲۰۲- (آزیتا بیرقی)
معنا ← تمامی پدیده‌های اجتماعی هویتی معنایی و ذهنی دارند.
لایه‌های عمیق جهان اجتماعی ← در معرض تغییر کمتر هستند و تأثیرات همه‌جانبه دارند.
نهاد اجتماعی ← شیوه‌های قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازند.

(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۲۵، ۲۷ و ۲۸)

در رویکرد سوم، دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. دانش عمومی نیز دانش غیرموقوت و نامعتبر نیست، بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

۱۹۵- (ارغوان عبدالملکی)
ما انسان‌ها متأثر از اجتماعاتی هستیم که خود پدید می‌آوریم. مطالعه علمی این اجتماعات به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید. در واقع علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و هم‌چنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

اعضای جهان اجتماعی، برای حل تعارض‌های میان دانش علمی و دانش عمومی، تلاش می‌کنند. تعارض‌ها، گاهی با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند. تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، تربیتی، صفحه‌های ۶، ۵ و ۱۰)

۱۹۶- (آزیتا بیرقی)
علوم اجتماعی با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند.
زندگی اجتماعی انسان به دلیل این‌که ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است. در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶)

۱۹۷- (آزیتا بیرقی)
جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند.
موضوع فلسفه اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد؛ بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همه موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست.

علوم اجتماعی، ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. (جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۶)

۱۹۸- (آزیتا بیرقی)
تشریح مورد نادرست:

علوم اجتماعی، ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. علوم اجتماعی با دآوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۶)

۲۰۸- (الله فضری)
جهان اجتماعی پس از آن‌که با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. پس نمی‌توانیم جهان اجتماعی را همواره و هرگونه بخواهیم بسازیم یا تغییر دهیم.
پیامدهای جهان اجتماعی، خود موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی فراهم می‌آورد.
با افول علوم فرائضی، داوری دربارهٔ اموری چون ارزش‌ها و آرمان‌های بشری به تمایلات افراد و گروه‌های متفرقه، سپرده می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۳۸، ۳۹ و ۴۵)

۲۰۹- (ارغوان عبدالملکی)
انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوهٔ زندگی‌اش تغییراتی ایجاد کند. به همین دلیل شیوهٔ زندگی انسان کوچ‌نشین با یکجانشین متفاوت می‌شود.
جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراطبیعی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد.
با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری که پدیده‌های فراطبیعی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند از دست می‌رود و داوری دربارهٔ این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرقه سپرده می‌شود.
رواج کنش‌های حسابگرانهٔ معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۳۹، ۴۰، ۴۴ و ۴۵)

۲۱۰- (ارغوان عبدالملکی)
هر جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد.
جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.
فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می‌شود.
در فرهنگ دنیوی، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدودهٔ منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۴۱ و ۴۳)

فلسفه دوازدهم

۲۱۱- (فرهاد قاسمی نژاد)
اگر مفهوم وجود جزئی از مفهوم ماهیت بود نمی‌توانستیم وجود را از ماهیت جدا کنیم (یا نفی کنیم).
(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۵)

۲۱۲- (سنا فیروزه)
اینکه هستی و چیستی دو جنبهٔ یک چیزند به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند.
(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۴)

۲۰۳- (آزیتا پیرقی)
در جهان اجتماعی بُعد ذهنی پدیده‌ها اهمیت بسیاری دارد. در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی آن مفقود بود.
لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیش‌تر در معرض تغییرند. هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر برخی از آن‌ها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود.
وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، نهادهای اجتماعی آشکار می‌شوند.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۲۶ تا ۲۸)

۲۰۴- (آزیتا پیرقی)
خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است.
هدیه‌دادن برای روز تولد یک دوست، پدیده‌ای عینی و خرد است.
بهتر بودن دانایی از نادانی به یک ارزش اجتماعی، اشاره می‌کند.
هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از نمادهای اجتماعی نیست.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۲۶ تا ۲۹)

۲۰۵- (پارسا بیبی)
برخی از جامعه‌شناسان معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند و مسیر یکسانی ندارند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن متناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای متفاوتی را می‌پیمایند. برخی از جهان‌های اجتماعی زمانی طولانی دوام می‌آوردند و برخی دیگر پس از مدتی فرومی‌ریزند. مردم‌شناسان دارای چنین دیدگاهی هستند و بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و... یاد می‌کنند.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۲۰۶- (پارسا بیبی)
تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که در درون یک جهان واحد واقع می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

۲۰۷- (ارغوان عبدالملکی)
- وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفهٔ حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آن‌ها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی‌بردند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور سادهٔ آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.
- نمودار مناسب با نگرش مردم‌شناسان دربارهٔ فرهنگ‌های مختلف، نمودار عرضی است.
(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۵)

۲۱۹- (موسی آکبری)
از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است: وجود بی‌نیاز و وجودهای نیازمند. وی تحت برهان «امکان فقری» می‌گوید تمامی وجودهای نیازمند به وجود بی‌نیاز یا همان ذات الهی نیازمند هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: به برهان امکان ماهوی مربوط است.
گزینه «۲»: این رابطه بعد از وجود یافتن باقی می‌ماند.
گزینه «۴»: دیگر موجودات هیچ‌گاه غنای ذاتی نخواهند یافت.
(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۱۳)

۲۲۰- (فرهاد قاسمی نژاد)
ابن سینا از بحث مغایرت میان وجود و ماهیت استفاده کرد و نظریه رابطه مکانی میان ماهیت اشیاء و وجود را بیان کرد.
(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۶)

منطق

۲۲۱- (موسی آکبری)
کلمه انسان در این گزینه اشاره به یک «لفظ» دارد و مربوط به حیطه زبان است اما در سایر گزینه‌ها اشاره به یک «مفهوم» دارد که مربوط به حیطه ذهن است.
(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارح، صفحه ۱۲)

۲۲۲- (نیما جواهری)
واژگان شور، شیرین، شکر، مهر، عهد مشترک لفظی محسوب می‌شوند.
(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارح، صفحه ۱۳)

۲۲۳- (سنا فیروزه)
استفاده از عبارت دوپهلوی می‌تواند منجر به مغالطه ابهام در عبارت شود. این جمله هم به معنای این است که به فرانسه بروید و هم به معنای این است که در فرانسه مقابل آفتاب قرار بگیرید.
(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارح، صفحه ۱۹)

۲۲۴- (موسی آکبری)
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «امور انتزاعی» در این گزینه باعث ایجاد بار ارزشی منفی شده است.

گزینه «۳»: «گوشزد کردن» یعنی فهماندن چیزی به کسی و بار ارزشی خنثی دارد.

گزینه «۴»: کلمه «مردن» به خودی خود بار ارزشی خنثی دارد اما چون در رابطه با یک پیامبر بیان شده باعث ایجاد بار ارزشی منفی می‌شود.

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارح، صفحه‌های ۱۴ و ۱۶)

۲۲۵- (فرهاد قاسمی نژاد)
فقط در گزینه «۲» مغالطه توسل به معنای ظاهری وجود ندارد.
(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارح، صفحه‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۷)

۲۱۳- (سنا فیروزه)
تفاوت فیلسوف بودن فارابی و انسان بودن او فقط در ذهن و از جهت مفهوم است و گرنه در خارج دو امر جداگانه نداریم. یعنی در خارج از ذهن یک واقعیت هست که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم؛ شبیه نسبت میان وجود و ماهیت.

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۴)

۲۱۴- (سنا فیروزه)
سفید بودن برای کلاغ حالت امکانی دارد و نه امتناع. کلاغ ضرورتاً حیوان و پرند و جاندار است بنابراین جاندار نبودن هم برای کلاغ امتناع دارد. (رد گزینه‌های ۲، ۳ و ۴)

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۱۰)

۲۱۵- (فرهاد قاسمی نژاد)
- واجب‌الوجود بالغیر، موجودی است که وجودش از ناحیه خودش نباشد مانند انسان‌ها یا درخت‌های وجودیافته در هستی.
- ممکن‌الوجود بالغیر نداریم؛ چون هیچ چیز به واسطه علتی ممکن‌الوجود نمی‌شود.
- ممتنع‌الوجود بالغیر آن است که امتناع وجودش از ناحیه غیر باشد مانند سیمرغ.
- ممتنع‌الوجود بالذات آن است که هرگز وجود پیدا نمی‌کند مانند شریک خدا.

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه‌های ۱۰ و ۱۲)

۲۱۶- (سنا فیروزه)
ذات اشیا نسبت به وجود حالت امکانی دارند و با این نسبت نمی‌توانند موجود شوند. ذات اشیا برای ایجاد ابتدا باید از رابطه امکانی خارج شوند و ضرورت پیدا کنند. بنابراین اشیا موجود در جهان نسبت به وجود ضرورت دارند؛ اگرچه این ضرورت از ناحیه ذات خودشان نیست.

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۱۲)

۲۱۷- (فرهاد قاسمی نژاد)
ابن سینا معتقد بود ماهیت‌ها نسبت به وجود و عدم حالت امکانی دارند (ممکن‌الوجود) بنابراین برای موجود شدن به علتی نیازمند هستند که وجودش از ناحیه غیر نباشد. (واجب‌الوجود بالذات)

رد گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دیدگاه ابن سینا مبتنی بر مشاهده حالت امکانی ماهیت‌ها است.

گزینه «۲»: امکان فقری و نیازمندی، ملاک ملاصدرا است.

گزینه «۴»: خداوند هم یک ذات ولی امکان ماهوی ندارد.

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۲۱۸- (فرهاد قاسمی نژاد)
از دیدگاه ملاصدرا اگر به واقعیات نگاه کنیم آن‌ها را عین وابستگی و نیاز می‌بینیم، در میان این موجودات (واقعیات) نمی‌توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد.

(فلسفه (۲)، مسائل پیرامون واقعیت و هستی، صفحه ۱۳)

۲۳۳- (موسی آبروی)
 ماوراءالطبیعه قسمتی از هستی است که ماورای طبیعت است. قلمرو مابعدالطبیعه تا آنجایی است که وجود باشد؛ پس ماوراءالطبیعه در قلمرو مابعدالطبیعه قرار می‌گیرد.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۲)

۲۳۴- (سنا فیروزه)
 گاهی فیلسوفان پاسخ‌های متفاوتی به یک سؤال می‌دهند.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۳)

۲۳۵- (سنا فیروزه)
تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه «۱»: امکان خطا و اشتباه در فلسفه هست؛ زیرا امکان اشتباه در انسان وجود دارد.
 گزینه «۲»: فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی‌کند بلکه در هر موضوعی به بنیادی‌ترین مسئله‌ها می‌پردازد.

گزینه «۴»: برخی از فیلسوفان در یافتن پاسخ‌های خود به نتیجه می‌رسند و برخی نه.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۳)

۲۳۶- (سنا فیروزه)
 فیلسوفان بر اساس دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی انتخاب می‌کنند نظرات مختلفی در شاخه‌های مختلف فلسفه ارائه می‌دهند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: فلسفه اولی قواعد ثابتی ندارد؛ زیرا ممکن است فیلسوفان مختلف پاسخ‌های متفاوتی به سؤالات بنیادین بدهند.

گزینه «۲»: فلسفه اولی و شاخه‌های آن متمایز نیستند.

گزینه «۳»: شاخه‌های فلسفه، نتیجه تأملات عمیق فلسفی در هر علم هستند.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۳۷- (نیم پواهری)
 هر فلسوفی با توجه به دیدگاهی که در «فلسفه اولی» (هستی‌شناسی) دارد به گونه‌ای خاص در این مسائل اظهارنظر می‌کند؛ یعنی نگاه او به اصل هستی دربردارنده پیام‌های خاص برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آن‌هاست.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۴)

۲۳۸- (موسی آبروی)
 در دیدگاه افلاطون حقیقت اصلی و برتر، عالم مثل است و برترین وجود هم مثال خیر است. افلاطون با چنین برداشتی از جهان، دیدگاهی خاص در انسان‌شناسی و فلسفه اخلاق دارد. او می‌گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثل و خیر مطلق است نه ماندن در طبیعت که عالم سایه‌هاست.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۴)

۲۲۶- (نیم پواهری)
 در این گزینه همه کلمات دلالت مطابقی دارند در حالی که در سایر گزینه‌ها «خم چوگان»، «دل» و «ترگس» دارای دلالت التزامی هستند که اگر دلالت مطابقی به جای آن‌ها به کار رود، مغالطه «توسل به معنای ظاهری» به وجود می‌آید.

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارچ، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۲۷- (سنا فیروزه)
 این جمله به دو صورت قابل خواندن است: ۱- برادر، پدربزرگم فوت کرده است. ۲- برادر پدربزرگم (یعنی عموی پدرم) فوت کرده است.

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارچ، صفحه ۱۸)

۲۲۸- (سنا فیروزه)
 کلمات باشرم و حیا و آرام و محبوب دارای بار ارزشی مثبت هستند، درحالی که این فرد ویژگی مثبتی ندارد که از جواب سلام دادن هم خجالت می‌کشد.

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارچ، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۲۹- (فرهار قاسمی نژاد)
 این عبارت مغالطه «ابهام در عبارت» دارد؛ زیرا مرجع ضمیر «او» مشخص نمی‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مغالطه در شیوه نگارش کلمات (می‌کنی و می‌کنی)

گزینه «۲»: مغالطه در شیوه نگارش کلمات (زیاد و ز یاد)

گزینه «۳»: مغالطه در شیوه نگارش کلمات (سمرقند و سمر، قند)

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارچ، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۲۳۰- (سنا فیروزه)
 ضامن در این جمله دارای دو معنی است: ۱- ضامن بانکی ۲- ضامن بمب، بنابراین مشترک لفظی هستند و چون یک معنای آن به اشتباه به جای معنای دیگری به کار رفته است، مغالطه «اشتراک لفظ» به وجود می‌آید.

(منطق، روابط میان ذهن، زبان و قارچ، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

فلسفه یازدهم

۲۳۱- (موسی آبروی)
 فلسفه اولی به دنبال بررسی مجرد وجود یا به عبارت دیگر مطلق وجود است. نکته: منظور از «وجود مطلق» خدا است و «وجود مجرد» مانند خدا و فرشتگان می‌باشد.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۲)

۲۳۲- (نیم پواهری)
 مابعدالطبیعه احکام و قواعدی را به دست می‌آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص؛ مابعدالطبیعه قواعد «وجود» را بررسی می‌کند نه قواعد اشیاء را.

(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۲)

۲۴۵- (مهسا عفتی)

رعایت حقوق دیگران مربوط به بعد اخلاقی رشد انسان می‌باشد.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

۲۴۶- (فرهاد علی‌نژاد)

- عمر انسان بعد از تولد به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود:
(۱) کودکی (۲) نوجوانی (۳) بزرگسالی
- کودکی شامل طفولیت، کودکی اول و کودکی دوم است که جمعاً ۱۲ سال از زندگی فرد را شامل می‌شود.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۲۴۷- (پروانه کریمی)

دوقلوهای همسان نه تنها هم‌جنس هستند بلکه از لحاظ ظاهر و رفتار هم بیشتر اوقات قابل تشخیص نیستند و این مسئله به عوامل وراثتی رشد مربوط می‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: این دوقلوه‌ها در بیشتر جنبه‌ها شبیه هم هستند نه کاملاً!
گزینه «۳»: جنسیت آن‌ها غیرقابل تشخیص نیست بلکه مثل هم هستند و این مسئله به عوامل زیستی مربوط می‌شود.
گزینه «۴»: این مسئله به عوامل زیستی (وراثتی) مربوط می‌شود.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۰)

۲۴۸- (فرهاد علی‌نژاد)

ایات صورت سؤال به عوامل مؤثر بر رشد اشاره دارند و از بین دو عامل محیطی و وراثتی، تأکید آن‌ها بر عوامل محیطی است (نشست و برخاست با نیکان یا بدان).
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۲۴۹- (مهدی ابراهیم مازنی)

الف) غلت زدن: ۲ تا ۵ ماهگی
ب) ایستادن با کمک: ۷ تا ۱۰ ماهگی / تراس از غریبه: ۸ ماهگی
ج) بازی‌های موازی: ۴ یا ۵ سالگی / پردازش ادراکی: ۴ یا ۵ سالگی (قبل از دبستان)
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۲، ۴۸ و ۵۱)

۲۵۰- (مهدی ابراهیم مازنی)

تشریح موارد نادرست:
ب) بزرگسالی اول، دوره سنی ۲۰ تا ۴۰ سالگی و بزرگسالی دوم، دوره سنی ۴۰ تا ۶۵ سالگی را شامل می‌شود؛ بنابراین دوره سنی بزرگسالی اول و دوم مجموعاً ۴۵ سال است.
ج) کودکی شامل سه دوره است: طفولیت، کودکی اول (قبل از دبستان) و کودکی دوم.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۲۳۹- (سنا فیروزه)

گزینه «۲» سؤالی است که مربوط به بخش اصلی فلسفه است که ریشه و پایه فلسفه است و مربوط به شاخه‌ها و فروع فلسفه نیست.
(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه ۱۴)

۲۴۰- (موسی اکبری)

فلسفه علوم یا همان فلسفه‌های مضاف با علوم مختلف از جمله هنر، جامعه‌شناسی، فیزیک، روان‌شناسی و ... ارتباط دارند اما هیچ‌یک از این دانش‌ها نیستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ریشه‌ای‌ترین مسئله‌های علوم را کنکاش می‌کنند.
گزینه «۲»: فلسفه‌های مضاف به دنبال بررسی مبانی علوم مختلف هستند.
گزینه «۴»: نتیجه تأمل فیلسوفانه در مورد علوم مختلف هستند و از مابعدالطبیعه تأثیر می‌پذیرند.
(فلسفه (۱)، فلسفه و ابعاد آن، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

روان‌شناسی

۲۴۱- (فرهاد علی‌نژاد)

- توانایی‌های زبانی (تعریف کردن یک لطیفه) و ذخیره اطلاعات در حافظه از انواع مهارت در حوزه شناختی هستند.
- اصرار بر خواسته، خشمگین شدن، ابراز محبت و آرامش داشتن، همگی، شکل‌های مختلف هیجان‌اند.
- ترس از غریبه، لبخند اجتماعی و بازی‌های گروهی در حیطه رشد اجتماعی قرار می‌گیرند.
- انجام دادن کارها برای خوشحال کردن والدین در حیطه رشد اخلاقی دوره کودکی قرار دارد.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۲)

۲۴۲- (پروانه کریمی)

روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، در «آدمی» رخ می‌دهد مطالعه کند.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

۲۴۳- (مهدی ابراهیم مازنی)

تپش قلب، بستن چشم و احساس درد، همگی تحت تأثیر عوامل وراثتی (زیستی) قرار دارند. به عبارت دیگر این اعمال واکنش‌های زیستی و طبیعی در شرایط مواجهه با موارد مذکور هستند. در مقابل فریاد کشیدن به دلیل ترس، یک واکنش رفتاری است که بیشتر تحت تأثیر عوامل محیطی و یادگیری فرد قرار دارد.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۲)

۲۴۴- (پروانه کریمی)

ویژگی‌های رشد انسان را به دلیل پیوستگی رشد، نمی‌توان به راحتی به مراحل مشخص تقسیم کرد.
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۲)